

خطر سحر

و جادو و راهکارهای در امان ماندن از آن
و چگونگی از بین بردن آن

مؤلف

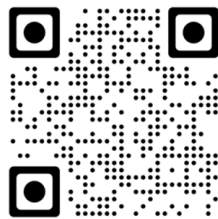
شیخ دکتر عبد المحسن بن محمد القاسم

امام و خطیب مسجد نبوی شریف

خطر سحر و جادو و راهکارهای در امان ماندن از آن

و چگونگی از بین بردن آن

برای دانلود کتاب، بارکود را اسکن کنید



a-alqasim.com

خطر سحر و جادو
و راهکارهای در امان ماندن از آن
و چگونگی از بین بردن آن

تألیف

شیخ دکتر عبدالمحسن القاسم

امام و خطیب مسجد نبوی شریف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

تمام ستایش ها از آن الله، پروردگار جهانیان است و درود و سلام بی کران بر پیامبرمان محمد و خاندان و یارانش باد، اما بعد:

سحر یکی از گناهان کبیره، و از اهرم های نابودی جامعه، و تیشه ای برای از تخریب بنیان خانواده است، و به علت دوری برخی از انسانها از پروردگارشان و عدم قناعت و رضایت به آنچه الله برای آنها یا برای دیگران مقدر کرده، و به علت اینکه حسادت نسبت به دیگران در قلب های آنها رخنه کرده است، به چیزی روی آورده اند که به گمان آنها حاجاتشان را برآورده می کند، اما در واقع اینها ساحران و جادوگران و پیشگویانی هستند که باعث تخریب عقیده ی مردم می شوند.

و این کتابی است که آن را (خطر سحر و جادو و راهکارهای در امان ماندن از آن و چگونگی از بین بردن آن) نامیده ام، این کتاب حاوی هشدار مسلمانان از خطر ساحران و پیشگویان، و کسانی که با آنان مراوده

دارند، و نیز حاوی خطاری است برای کسی که دچار فساد در عقیده شده و به سحر کردن دیگران روی آورده است، و همچنین این کتاب تسلی بخشی است برای کسی که مورد ظلم و ستم سحر قرار گرفته است، و حاوی راهکارهایی برای ابطال سحر می باشد.

از الله عزوجل می خواهم که آن را سودمند قرار دهد، و مسلمانان را از شر ساحران و جادوگران نجات دهد، و حيله و نیرنگ دشمنانشان را به خودشان برگرداند. الله بر پیامبران محمد و بر تمامی خاندان و یارانش دورد و سلام بفرستد.

شیخ دکتر عبدالمحسن القاسم

امام و خطیب مسجد نبوی شریف

سحر و جادو

تعریف سحر و جادو

سحر در لغت بر هر چیزی که عامل و انگیزه‌ی آن نامرئی و مرموز باشد، و با تردستی و شعبده انجام شود، اطلاق می‌شود^(۱).

و در اصطلاح: سحر انواع و راهها و روش‌های متعددی دارد، و تعریف جامعی برای آن وجود ندارد.

علامه محمد امین شنقیطی می‌گوید: "باید بدانید که امکان ارائه تعریف اصطلاحی جامع و مانعی از سحر وجود ندارد، زیرا انواع و اشکال متفاوتی دارد که در ذیل تعریف اصطلاحی این واژه قرار می‌گیرد، و نقطه‌ی مشترکی بین این انواع متعدد وجود ندارد؛ از این رو تعریفی که جامع و شامل همه‌ی این انواع، و مانع از ورود حقیقت واژه‌های دیگر در ذیل این تعریف باشد ناممکن است، و به این علت است که علما تعریف‌های گوناگون و احیانا متضاد با یکدیگر از سحر را ارائه کرده‌اند"^(۲).

ابن القیم می‌گوید: "سحر: ترکیبی از تأثیر ارواح خبیثه، و اثر

(۱) صحاح (۶۷۹/۲)، وقاموس محیط (ص ۴۰۵).

(۲) أضواء البیان (۴۱/۴).

پذیری قوای طبیعی از آنهاست”^(۳).

و می توان سحر را اینگونه تعریف کرد: عبارت است از بخارها و ترکیب ها و گره ها و کارهایی که ساحر بعد از کفر آوردن به الله - عز وجل - آن را برای تقرّب به شیطان انجام می دهد، و این عمل سحر در شخص سحر شده - با اذن و اراده الله متعال - تاثیر می گذارد.

تاریخچه ی سحر و جادو

هیچ امتی در طول تاریخ وجود ندارد مگر اینکه الله پیامبری را به سوی آنان فرستاد؛ که آنها را به یکتاپرستی الله عز و جل دعوت داد و از شرک آنها را باز می داشت،

الله متعال می فرماید:

﴿وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾

«و هیچ امتی نیست؛ مگر اینکه در آن هشدار دهنده ای (آمده و) گذشته است». [فاطر: ۲۴]

و هر امتی که پیامبری به سوی آنها برانگیخته می شد؛ از سوی اقوام خود مورد تمسخر قرار می گرفتند و آنان را به جادوگری متهم می کردند؛ و این خود گویای این مطلب است که تمامی امت ها در طول تاریخ نسل ها یکی پس از دیگری از بدو وجود بر زمین تاکنون، با حقیقت جادوگری و سحر آشنا بوده اند،

الله متعال می فرماید:

﴿كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ﴾

«بدین سان بر کسانی که پیش از آنها بودند هیچ پیامبری نیامد جز اینکه گفتند: «ساحر یا دیوانه‌ای است». [الذاریات: ۵۲]

حافظ ابن حجر - رحمه الله - می گوید: «سحر و جادو در زمان نوح - علیه السلام - وجود داشت، آنچنان که الله متعال ادعای قوم نوح در مورد پیامبرشان را بازگو نموده است که گفتند: او ساحر و جادوگر است».

و نیز ابن حجر می گوید: «داستان هاروت و ماروت پیش از دوره ی نوح - علیه السلام - بوده است، همانگونه که ابن اسحاق و غیره این مطلب را بیان کرده اند»^(۴).

سحر و جادو نزد برخی از اقوام رواج داشت، و انتشار یافته بود، و نزد برخی دیگر کمتر رواج داشت. در زمان موسی - علیه السلام - جادو و جادوگری به صورت گسترده انتشار یافته بود؛ تا جایی که با موسی - علیه السلام - با سحر به مبارزه به پاخاستند.

ابن خلدون - رحمه الله - می گوید: «بازار سحر و جادوگری در شهر بابل و مصر در زمان بعثت موسی - علیه السلام - رایج و بسیار فعال بود»^(۵).

(۴) فتح الباری (۱۰/۲۲۳).

(۵) تاریخ ابن خلدون (۱/۶۵۸).

آیا سحر و جادو گردی حقیقت دارد، یا تخیلات است؟

سحر یک حقیقت غیر قابل انکار دارد، و گاهی زن و شوهر را با اجازه و تقدیر الله از یکدیگر جدا می کند،

الله متعال می فرماید:

﴿فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ﴾

«آنها از آن دو فرشته چیزهایی می آموختند که به وسیله ی آن، میان مرد و همسرش جدایی می انداختند». [البقرة: ۱۰۲]

و سحر می تواند تاثیر جسمانی مانند درد یا نابود کردن بدن با بیماری و مرگ داشته باشد، و نیز می تواند تاثیرات روحی و روانی بر فرد سحر شده داشته باشد، و همه اینها به فرمان الله روی فرد تاثیر گذار باشد، امام قرافی - رحمه الله - می گوید: "سحر حقیقت غیر قابل انکار دارد و چه بسا فرد سحر شده بمیرد، و یا طبیعت و عادتش تغییر یابد، حتی اگر خود فرد دستش به آن آلوده نشود" (۶).

امام نووی - رحمه الله - می گوید: "چنانچه پیش تر گفتیم؛

صحیح این است که سحر؛ حقیقتی غیر قابل انکار است، و جمهور فقها به این باور قطعی دارند، و غالب علما بر این باورند، و قرآن و سنت صحیح و مشهور بر این دلالت دارد^(۷).

ابن قیم رحمه الله می گوید: «فرموده الهی

﴿وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ﴾

«و از شرّ زنان افسونگری که در گره‌ها می دمند (به الله پناه می

برم)»، [الفلق: ۴]

و حدیث عائشه - رضی الله عنها -^(۸) که پیش تر یاد شد بر تاثیر و

(۷) روضه طالبین (۳۴۶/۹).

(۸) بخاری در صحیحش، در کتاب طب، در باب سحر، حدیث شماره (۵۷۶۶)، و مسلم در صحیحش، کتاب سلام، در باب سحر، حدیث شماره ی (۲۱۸۹)؛ «یهودی از یهودیان بنی زریق به نام لیبید بن اعصم؛ پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را جادو کرد، عائشه - رضی الله عنها - می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آنچنان تحت تاثیر این سحر بود که کاری را که انجام نداده بود، گمان می کرد که آن را انجام داده است، تا اینکه روز یا شبی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دعا کرد، و دعا کرد، و دعا کرد، سپس فرمود: ای عائشه! آیا می دانی که الله پس از درخواست و دعای من چگونه دعایم را اجابت کرد؟ دو مرد نزد من آمدند یکی بالای سرم، و دیگری کنار پاهایم نشست، و آنگاه آن که بالای سرم نشسته بود، به دیگری که کنار پاهایم نشسته بود، یا اینکه آن یکی که کنار پاهایم بود، به دیگری که بالای سرم بود گفت: این مرد از چه بیماری رنج می برد؟ آن مرد دیگر در پاسخ گفت: اوسحر شده است، شخص اول گفت: چه کسی او را جادو کرده است؟ آن مرد دیگر در پاسخ گفت: لیبید بن اعصم، شخص اول گفت: چگونه؟ آن مرد دیگر در پاسخ گفت: با شانه و موهای سر این بیمار، و لیف خوشه ی خرما ی نر، شخص اول گفت: اکنون این طلسم کجاست؟ گفت: در چاه ذی اروان. عائشه - رضی الله عنها - گفت: آنگاه پیامبر - صلی الله علیه و

حقیقت سحر دلالت دارد.^(۹)

سلم - به همراه برخی از یارانش نزد آن چاه رفت، سپس گفت: ای عائشه! سوگند به الله که رنگ آب آن چاه تغییر کرده بود، و همچون حنا شده بود، و نخل هایش مانند سر شیاطین بود. عائشه - رضي الله عنها - می گوید: گفتم ای رسول الله! آیا آن را نمی سوزانی؟ فرمود: نه، حال اینکه الله مرا شفا بخشیده است، و دوست ندارم مردم را دچار شری و بدی کنم، آنگاه به کسی گفتم که آن را در خاک دفن کند.

(۹) بدایع فواید (۲/۲۲۷).

خطر سحر

بی تردید با ارزش ترین دارایی انسان در زندگی دنیا؛ دین اوست، و راه یافته و موفق کسی است که از دین خویش پاسداری کند، و بر خود نمی تابد که عقیده ی خود را با کارهایی که در آن خدشه وارد می کند، و از صلابت آن می کاهد، یا آن را کدر می سازد، بیالاید.

تعامل با سحر و ساحران برای بکارگیری سحر خطر بزرگی بر عقیده بشمار می رود؛ زیرا درخواست از ساحر و جادوگر برای ایجاد سحر و طلسم و جادو از نواقض اسلام به شمار می رود، شیخ محمد بن عبدالوهاب - رحمه الله - می گوید: "هفتم: - یعنی: هفتمین ناقض از نواقض اسلام - سحر است، و شامل صرف^(۱۰) و عطف^(۱۱) است، و هر کسی مرتکب آن شود، یا به آن رضایت داشته باشد؛ کافر و از دین خارج می شود، و دلیل این مطلب این فرموده ی الله متعال است:

(۱۰) صرف: نوعی از انواع جادو است که هدف از آن، این است که انسان از آنچه دوست دارد رویگردان شود، مانند این که محبت شوهر به همسرش را تبدیل به نفرت می کنند. کتاب عقیده صحیحه از شیخ عبدالعزیز بن باز.

(۱۱) عطف: نوعی از انواع جادو است که هدف از آن علاقه مند کردن انسان بوسیله ی راههای شیطانی به آنچه دوست ندارد، است. کتاب عقیده صحیحه از شیخ عبدالعزیز بن باز.

﴿وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ﴾^ط

«و آن دو به هیچ کس (سحر) آموزش نمی دادند، مگر آنکه (به

او) می گفتند: ما (وسیله ی) آزمایشی (برای شما) هستیم، پس مبادا

کافر شوی»^(۱۲). [البقرة: ۱۰۲]

(۱۲) نواقض اسلام - قسمت اول از مرحله ی یکم از مجموعه ی متن های طالب علم، تحقیق: شیخ عبدالمحسن القاسم (ص ۲۷).

بنابراین حکم ساحر و کسی که به او مراجعه می کند یکی است.
و هر کس که مرتکب سحر شود؛ شرک ورزیده است، چنانچه
پیامبر - صلی الله علیه و سلم - می فرماید: «**هر کس مرتکب سحر و
جادو شود؛ شرک ورزیده است**». به روایت امام نسائی^(۱۳).

شیخ عبدالرحمن بن حسن می گوید: "این حدیث به صراحت بر
این دلالت دارد که ساحر مشرک است"^(۱۴).

و سحر در آیین همه پیامبران حرام شده است،

الله متعال می فرماید:

﴿وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى﴾

«و جادوگر هر جا برود رستگار نمی شود». [طه: ۶۹]

و سحر از جمله گناهان کبیره در دین و هلاکت کننده بشمار می
رود، پیامبر - صلی الله علیه و سلم - می فرماید: «**از هفت - گناه کبیره
- هلاک کننده بپرهیزید، گفتند: آنها چه هستند ای رسول الله؟! فرمود:**

(۱۳) در سنن، کتاب تحریم الدم، حکم فی السحرة، حدیث شماره حدیث: (۴۰۷۹) روایت از ابوهریره - رضی
الله عنه -.

(۱۴) فتح المجید (ص ۲۹۱).

شرک ورزیدن به الله، و (قتل به ناحق یعنی:) کشتن نفسی که الله متعال کشتن آن را حرام گردانیده است، مگر به حق، خوردن ربا، خواری، خوردن مال یتیم، فرار از میدان جنگ، و تهمت زدن به زنان پاکدامنی که (از نیرنگ ها و تهمت ها) بی خبرند». متفق علیه^(۱۵).

سحر گناهان کبیره و امور نابوده کننده ی دین را به همراه دارد، از قبیل: مدد خواستن از جن و شیاطین، و آویزان کردن گردن بند و تعویذ به خود، و هراس داشتن از غیر الله، و توکل بر غیر الله، و به فساد کشاندن زندگی و منافع مردم و مخالفت با نصوص و فرامین شریعت،

الله متعال می فرماید:

﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا
إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾

«و پس از اصلاح زمین در آن فساد مکنید، و با بیم و امید او را

بخوانید؛ رحمت الله به نیکو کاران نزدیک است». [الأعراف: ۵۶]

(۱۵) روایت بخاری، در صحیحش کتاب حدود، باب رمی محصنات، شماره حدیث: (۶۸۵۷)، و مسلم، در صحیحش کتاب ایمان، باب کبایر، شماره حدیث: (۸۹) روایت از ابوهریره - رضی الله عنه - .

جادوگر

جادوگر دین خود را فروخته است

ساحر دین و نفس خویش را به شیطان فروخته است، و شیطان به کمتر از اینکه ساحر او را پرستد؛ راضی نمی شود،

الله متعال می فرماید:

﴿وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ﴾

«و قطعاً آنان می دانستند که هر کس خریدار چنین متاعی باشد، در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد». [البقرة: ۱۰۲]

ساحر نمی تواند سحر کند مگر اینکه با انجام پاره‌ای از کارهایی که او را از دایره ی دین خارج می کند، مانند: قربانی کردن برای جن ها، و یا یاری گرفتن از آنها، و یا با اهانت به کلام الله، و انجام گناهان کبیره ی دیگر که دین را از بین می برد. شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می گوید: "قرآن را با چیزهای نجس از قبیل خون و یا سایر نجاسات می نویسند، و گاهی حروف کلام الله مانند حروف سوره ی فاتحه یا حروف سوره ی اخلاص

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾

و غیره را واژگون می نویسند، یا چیزهایی را می نویسند یا بر زبان می آورند که شیطان را راضی می کند^(۱۶).

و هر کس خود را به شیطان بفروشد؛ از اخلاق نیکو و کردار پسندیده دست می کشد، و بصیرت و بینش خود را از دست می دهد، و در ارتکاب بدی ها می کوشد، و به خیر و نیکویی پشت می کند، و با دین دشمنی می ورزد، و آن را به سخره می گیرد، و با خانواده تندخویی می کند، و نسبت به جامعه ی خود کینه توز می شود، و چه بسا برای ارضای خواسته های نفس ناپاک خود، و خواهش های نفسانی پلیدش، مرتکب حماقت و کارهای شرک آلود شود.

شیخ الاسلام - رحمه الله - می گوید: "و در نهایت کارشان به جایی می رسد که به الله مهربان شک می کنند، و به عبادت شیطان و طاغوت روی می آورند، و تعاملات و خرید و فروش خیانت کرده و طلای مغشوش و ناخالص می فروشند و در زمین فساد و تباهی می کنند و تنها تعداد اندکی از آنها به هدف خود می رسند، هدفی که جز دوری از الله را به همراه ندارد، و اغلب آنان از خوبی ها محروم، و آلوده به گناهان هستند، و آرزوی کفر و فسق و نافرمانی در سر دارند،

(۱۶) مجموع فتاوی شیخ اسلام (۳۵/۱۹).

اما آنچه بدان دست می یابند تنها نقل سخنان دروغ و آرزوی سرکشی است، به سخنان دروغ گوش می دهند و مال حرام می خورند و نشانه ی ذلت دروغ پردازان بر آنان هویدا است" (۱۷).

الله آدم را از خاک و جن ها را از آتش آفرید،

الله متعال فرمود:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ *

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُورِ﴾

«و در حقیقت، انسان را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، آفریدیم * و پیش از آن، جنیان را از آتشی سوزان و بی دود خلق کردیم». [الحجر: ۲۶-۲۷]

و الله متعال بنی آدم را بر جن برتری داد،

الله متعال می فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾

«و به راستی، ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکبها برنشانیدیم، و از انواع نعمت‌های دلپذیر و حلال به آنان روزی دادیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خویش کاملاً فضیلت و برتری دادیم». [الإسراء: ۷۰]

اما جادوگر با وجود اینکه برتر است ذلت را در برابر جن بر خود می‌پذیرد، شیخ الاسلام - رحمه الله - می‌گوید: "آنها - یعنی جن - می‌دانند که انسان‌ها از آنها برتر، و جایگاه والاتری دارند، پس وقتی انسان در برابر آنها خودش را خوار کند، و از آنها کمک بخواهد؛ مانند این است که افراد بزرگ برای افراد کوچک خود را خوار کنند، تا بدینوسیله آنها نیازهایشان را برآورده سازند" (۱۸).

چرا شیاطین از جادوگران فرمانبرداری کرده و به آنها خدمت می کنند؟

شیطان دشمن انسان است؛ و می کوشد تا او را از راه راست منحرف سازد، و از هر سو و جهت بر او وارد شود، و هدفش این است که مردم غیر الله را بپرستند. الله متعال در قرآن این موضوع را از زبان ابلیس بازگو می کند:

﴿ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴾

«ابلیس گفت: به عزت تو سوگند که همه ی آنان را گمراه می کنم * مگر بندگان مخلصت را». [ص: ۸۲-۸۳]

و سحر ساحر انجام نمی پذیرد؛ مگر اینکه شیطان را بپرستد، و از دایره ی دین اسلام خارج شود،
الله متعال می فرماید: فرمود:

﴿ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ﴾

«و آن دو به هیچ کس (سحر) آموزش نمی دادند، مگر آنکه (به او) می گفتند: ما (وسیله ی) آزمایشی (برای شما) هستیم، پس مبادا کافر شوی» [البقرة: ۱۰۲]

و وقتی بنده از دین خارج شود، شیطان او را به جهنم فرو می برد، و هدفش از فریب انسان ها نیز همین است، شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می گوید: "هدف شیطان این بوده که انسان؛ شیطانی از شیاطین را بپرستد؛ برای او روزه بگیرد، و نماز بخواند، و قربانی کند؛ تا به این صورت انسان به مقصد دنیوی دست یابد، مقصدی که در حقیقت فساد و تباهی آن از خوبی و نیکویی اش بزرگتر بوده، و گناهِش از سودش بزرگتر می باشد" (۱۹).

و شیطان برای آزار رساندن به بندگان و ایجاد جدایی میان آنها و همسران و دارایی شان، و به فساد کشاندن زندگی آنها، و زیان رساندن به آنان، و ایجاد تفرقه میان مردم، در خدمت ساحر در می آید،

الله متعال می فرماید:

﴿فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ﴾

«آنها از آن دو فرشته چیزهایی می آموختند که به وسیله ی آن،

میان مرد و همسرش جدایی می انداختند». [البقرة: ۱۰۲]

و شیطان به جادوگر خدمت می کند تا بندگان را از عبادت

پروردگار جهانیان روی گردان نماید، و دست به دامن شیاطین و
بندگان شیطان از قبیل: جادوگران و پیشگویان و فال گیرها شوند.

نیرنگ و حيله ی جادوگر

ساحران خدمت گزاران شیاطین اند و شیطان از کسانی که بندگی او را می کنند و در دام او افتاده اند می خواهد که بندگان الله را گمراه سازند، بنابراین چه بسا ساحر فرمان کسی که نزد او می آید را فرمان می دهد تا حیوانی را برای غیر الله قربانی کند، و چه بسا به مراجعه کننده دستور می دهد که تعویذ های شرک آلود بر بدن خود آویزان کند، و یا وقتی که می خوابد آن را زیر بالشت خود بگذارد، و بدین صورت ساحر کسی که نزد او آمده است را گرفتار شرک می کند، چنانچه پیامبر - صلی الله علیه و سلم - می فرماید: **«هرکسی تعویذی به خود آویزان کند شرک ورزیده است»**. روایت احمد^(۲۰). و این از توطئه های آنهاست تا بدینصورت مردم را در ورطه ی شرک ورزی بیندازند.

و از جمله نیرنگ و حيله های ساحران این است که وقتی کسی به آنها مراجعه می کند برای فریب آنها ادعا می کند که از برخی از بیماری هایی فرد که بدان مبتلاست با خبر است، و در واقع از بیماری

(۲۰) در مسند حدیث شماره ی (۱۷۴۲۲) روایت از عقبه بن عامر - رضی الله عنه -.

هایی نام می‌برد که معمولاً بیشتر مردم بدان مبتلا هستند، مثلاً می‌گویند: گاهی دچار سر درد می‌شوی، یا احیاناً از کمر درد رنج می‌بری، یا غم و اندوهی برایت پیش می‌آید، و یا می‌گویند اتفاقی خوشحال کننده برایت رخ خواهد داد، و چنین کلمات و عبارات‌ها و چیزهایی که معمولاً در زندگی پیش می‌آید، و می‌خواهند بدین صورت فردی که به آنها مراجعه کرده، به آنها وابسته شود، و در اختیار آنها قرار بگیرد.

و از جمله حیل‌های آنها این است که در تعاویذ خود آیاتی از قرآن می‌نویسند تا مردم را فریب دهند، و وانمود می‌کنند که از جن‌ها کمک نگرفته، و فقط از الله کمک می‌گیرند، تا بدینگونه بتوانند افراد ساده لوح را فریب دهند.

نشانه های ساحر

جادوگران نشانه هایی دارند که از آن برای فریب مردم ساده لوح استفاده می کنند، و از جمله علامت هایی که بسیاری از ساحران در آن اتفاق نظر دارند موارد ذیل است:

۱- از مراجعین خود نام، و نام مادر و سن و سالش را می پرسند، و این بارزترین علامت جادوگر است، زیرا او با شیاطین تعامل دارد.

۲- از مراجعین خود بقایا و لوازم فرد مورد نظر برای سحر و طلسم را درخواست می کنند؛ مانند: لباس های زیر، یا قسمتی از مو و ناخن.

۳- یا این که عکس کسی را که می خواهد، تا او را سحر و طلسم کند، از این رو مبادا عکس های خود را در اختیار کسی از جمله: خدمه خانه، و غیره قرار دهید؛ زیرا ممکن است تو را با آن سحر کنند.


و این یکی از حکمت های حرام بودن نقاشی و نگارش ذوات ارواح است، و از ثمره های التزام به شریعت برای دوری از نقاشی و سلامت از این آفات می باشد، پیامبر - صلی الله علیه و سلم - فرمود:

«**الله نگارنده را لعنت کند.**» روایت بخاری^(۲۱).

بنابراین بدون ضرورت عکس خود و خانواده ات را نگهداری نکن؛ تا وعید نگارش گری شامل حال تو نشود، و پیامبر - صلی الله علیه و سلم - می فرماید: «**هر نگارش گری در جهنم است.**» متفق علیه^(۲۲)؛ و باید از آفت‌های ساحران و دروغ پردازان دوری کنی.

۴- استفاده از بخور و گُندر در بخوردان و سوزاندان آن؛ زیرا باعث جذب شیاطین می شود، تا به جادوگران خدمت کنند.

۵- جادوگری در شب، معمولاً جادوگران شبانه به سحر و جادو می پردازند، ابن قیم - رحمه الله - می گوید: "سلطه ی سحر و جادو و بیشترین تاثیرات آن در شب است نه در روز، بنابراین سحری که در شب انجام می شود قویترین تأثیر را دارد"^(۲۳)، و اگر ساحر نتوانست شبانه به اعمال سحر و جادو پردازد، برای ارتکاب این اعمال به جای تاریکی روی می آورد.

(۲۱) در صحیحش، کتاب بیوع، در باب ثمن کلب، حدیث شماره ی (۲۲۳۸) روایت از ابي جحيفة  (۲۲) بخاری، در صحیحش، کتاب بیوع، در باب بیع تصاویر التي لیس فیها روح وما یکره من ذلك، حدیث شماره ی (۲۲۲۵)، و مسلم در صحیحش، کتاب لباس وزینت، در باب لا تدخل ملائكة بیتا فیه کلب ولا صورة، حدیث شماره ی (۲۱۱۰) روایت از ابن عباس - رضي الله عنهما - .
(۲۳) بدایع فواید (۲۱۹/۲).

۶- به کار بردن و تلفظ کلمات نامفهوم - مانند: من من کردن، و زمزمه کردن برخی کلمات - که فهمیدن آن برای شنونده دشوار است.

۷- تلفظ درهم آمیخته ی آیات قرآنی و احادیث نبوی و من من کردن آن هنگام معالجه، تا به گونه‌ای برای مردم وانمود کند که جادوگر نیست، و فقط از قرآن در درمان استفاده می کند.

۸- حیوانی با ویژگی‌های مشخصی را درخواست می کند.

۹- استفاده از کتاب‌های جادوگران که دارای رموز و جدول‌هاست، و گاهی نیز این کتاب کنار مریض گذاشته می شود؛ چنانچه به بیمار اعتماد داشت.

۱۰- نوشتن طلسم، یا رموز، یا حروف مقطعه، یا اعداد، و یا کشیدن مربع و دایره و جدول از دیگر نشانه‌های جادوگران است.

۱۱- تجویز کیفچه مثلث یا مربع شکل که از پوست یا قطعه ای از آهن یا مس ساخته شده است، و درون آن دعاهاى شرک آمیز و اعداد و حروف نگاشته شده است، و ساحر از مراجعه کننده می خواهد که آن را به گردنش بیاویزد، یا به بازویش ببندد، یا آن را زیر بالشت خود بگذارد، و تاکید می کند که از آن مواظبت کند، و او را می

ترسانند؛ که اگر از آن مراقبت نکند، و آن را استفاده نکند بیمار خواهد شد.

۱۲- اوراقی در اختیار مراجعه کننده قرار می دهد که در آن طلسم هایی نوشته شده است، و نیز بخور برای سوزاندن و بخور گرفتن آن برای بیمار تجویز می شود.

۱۳- اوراقی برای بیمار تجویز می شود که در آن اعداد و حروف مقطعه و جدول و طلسم نوشته شده است، و از بیمار درخواست می شود تا آن را در آب بیندازد، و آن آب را بیاشامد، یا با آن آب غسل کند.

این برخی از نشانه های ساحران بود، و پیشگویان و فال گیرها و شعبده بازان نیز از این موارد بهره می گیرند، پس هرگاه یکی از این نشانه ها را در فردی یافتی مواظب باش؛ که مبدا عقیده ی تو را فاسد کنند، و از آنها دوری کن؛ زیرا کسی که به خاطر الله چیزی را رها کند؛ الله در عوض چیز بهتری به او عطا می کند.

زنان و جادوگران

انسان هوشیار از رفتن نزد دروغ‌پردازان دوری می‌کند، بعضی از زنان وقتی خواسته‌ی آنان تحقق نیابد؛ بلافاصله از تقدیر شکایت کرده، و بی‌تابی می‌نمایند. بنابراین می‌کوشند خواسته‌ی خود را به هر نحوی به دست بیاورند حتی اگر از راهی باشد که الله متعال نمی‌پسندد. از این رو به جادوگر پناه می‌برد؛ و جادوگر او را فریب می‌دهد، و با او خلوت می‌کند، و چه بسا حیثیت و ناموس آن زن را خدشه‌دار کند، و جادوگر از او می‌خواهد که همواره به او مراجعه کند، تا آن زن به خواسته‌ی خود دست یابد، و گاهی آن زن را جادو می‌کند؛ و زن دوباره نزد او باز می‌گردد، تا اینگونه به دارایی‌های زن دست یافته، و آبرویش را ببرد.

امام قرطبی - رحمه الله - می‌گوید: "و بیشترین مراجعین آنها - جادوگران - زنان هستند، به ویژه در دوران قاعدگی" (۲۴).

و بیشترین هیزم و اهل دوزخ زنان هستند، چنانچه پیامبر - صلی الله

علیه و سلم - می‌فرماید: «دوزخ به من نشان داده شد؛ در حالی که

بیشتر دوزخیان زنان بودند». متفق علیه^(۲۵).

بنابراین زنان باید تقوای الهی را پیشه کنند؛ زیرا تقوای الهی است که سعادت و شادمانی‌ها را فراهم می‌آورد، چنانچه الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾

«هر کس تقوای الله را پیشه کند، الله راه نجات (از هر تنگنایی) را برای او فراهم می‌سازد، * و از جایی که تصورش نمی‌کند به او روزی می‌رساند». [الطلاق: ۲-۳]

و همچنین زنان باید به تقدیر الهی راضی باشند، و مبادا دین خود را با هوا و هوس و آرزوها به ساحران و دروغ پردازان بفروشند، و چنانچه خواهان تحقق خواسته‌ای بودند با دعا و زاری به الله پناه ببرند؛ زیرا اوست که سود می‌رساند، و زیان را دفع می‌کند،
الله می‌فرماید:

﴿وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ﴾

﴿وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ﴾

(۲۵) بخاری، در صحیحش کتاب ایمان، در باب کفران عشیر، و کفر دون کفر حدیث شماره ی (۲۹)، و مسلم در صحیحش کتاب کسوف، در باب ما عرض علی النبی - صلی الله علیه وسلم - فی صلاة کسوف من امر جنة و نار حدیث شماره ی (۹۰۷) از روایت ابن عباس - رضی الله عنهما - .

«اگر الله زیانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی تواند آن را برطرف گرداند، و اگر بخواهد خیری به تو برساند، هیچ کس نمی تواند فضل و لطف او را از تو بازدارد.» [یونس: ۱۰۷]

ستم جادوگر

ساحر با سحر خود مرتکب انواع مختلفی از سرکشی و ستم می‌شود؛ چه بسیار انسان‌هایی که ساحر آنان را با درخواست ذبح برای غیر الله، یا آویختن تعویذ، و یا تایید و باور کردن خبری از غیب که جز الله آن را نمی‌داند؛ باعث آلوده شدن آنان به شرک شده است، و بعضی از ساحران با مراجعین خود به ویژه زنان مرتکب فحشا می‌شوند.

و چه بسیار خانواده‌های خوشبختی که ساحران آن را نابود ساختند، و چه بسیار همسرانی که یکدیگر را دوست می‌داشتند؛ اما ساحران آنان را از هم جدا کردند، و در نتیجه به دنبال جدایی والدین تعدادی از فرزندانشان به انحراف کشیده شده‌اند، و تلخی روزگار را چشیدند.

چه بسیار ناراحتی و اندوهی‌هایی که ساحران برای مردم پدید آورده‌اند؟! و چه بسیار انسان‌های سالمی که ساحر باعث بیماری آنها شده است؟! و چه بسیار خانواده‌های خوشبختی که از هم پاشیده‌اند؟! و چه بسیار افراد فقیری که برای باز پس‌گیری عافیت و سلامتی که به وسیله‌ی ساحری متجاوز از او سلب شده است متحمل قرض‌ها شده‌اند؟!

و چه بسیار ساحرانی که با خوردن به ناحق اموال دیگران، با ادعای معالجه، و ادعای اینکه غیب می‌دانند، بر مردم ستم روا داشته‌اند؟!

ساحر نسبت به جامعه کینه دارد، و تا وقتی جامعه را به فساد و تباهی نکشانند؛ آرام نمی‌گیرد، بنابراین هرگز از زندگی شاد دیگران خوشحال نیستند، و از توانگری افراد توانگر شادمان نخواهند بود، و از مقام و جایگاه انسان‌های شرافتمند رنج می‌برد.

زیان و ضرر ساحران بر جامعه غیر قابل انکار است، و هیچگونه خوبی برای جامعه ندارند، آیا جامعه ای سراغ دارید که شاهد خیرخواهی ساحر برای مردم باشد، یا وجود آنها برای جامعه و بینوایان سودی داشته باشد، یا یتیمی را سرپرستی کند، و یا به زنان بیوه رسیدگی نماید. بلکه کارهای ساحر فقط برای زیان رساندن به جامعه، و آلوده کردن آحاد مردم به شرک بوده است، و مشکلات و ناراحتی و بدهکاری را برای آنها به باور آورده است.

حقیقت ساحر

ساحر پلیدترین و فرومایه‌ترین فرد است، و پست‌ترین کارها را انجام می‌دهد، و از همه ی مردم دلش سیاه‌تر است، امام ابن قیّم - رحمه الله - می‌گوید: "سحر عملی نمی‌شود؛ مگر با کسانی که وجود پلیدی دارند، که با آن ارواح تناسب دارد" (۲۶). و همچنین می‌گوید: "دل‌های تاریک محل ورود شیاطین و خانه و جایگاهشان است" (۲۷).

ساحر احمق‌ترین و کم‌عقل‌ترین فرد است، و فاسدترین اندیشه را دارد، او دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهد؛ تا به مطامع خیالی خود در دنیا برسد، و اقدام به انجام کاری می‌کند که سرانجام آن جهنم است.

ابن قیّم - رحمه الله - می‌گوید: "کمتر سحری بدون انجام نوعی عبادت برای شیطان، و تقرب جستن به او عملی می‌شود؛ از این رو با قربانی کردن به نام او، و یا ذبح حیوانی که هدف از ذبح آن تقرب به شیطان بوده؛ و خود نوعی ذبح برای غیر الله به شمار می‌رود، و دیگر انواع شرک و گناه، به شیطان تقرب می‌جویند" (۲۸).

(۲۶) اعلام موقعین (۲۹۸/۵).

(۲۷) بدائع فواید (۲۱۹/۲).

(۲۸) بدائع فواید (۲۳۵/۲).

جادوگر به شیطان نزدیک است، و همچون او برای زیان رساندن به مردم می‌کوشد، امام آلوسی - رحمه الله - می‌گوید: "شیاطین فقط با کسانی همکاری می‌کنند که در پلیدی و آلودگی قولی و فعلی و اعتقادی همانند آنها هستند" (۲۹).

ساحر حقیرترین صفت‌هایی که انسان می‌تواند داشته باشد را داراست؛ از قبیل: دروغ‌گویی، بنابراین به کسانی که به او مراجعه می‌کنند دروغ می‌گوید، چنانچه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «همراه با آن (راست) صد دروغ می‌گویند». متفق علیه (۳۰).

ساحر با تکبر و خودبینی خود را از دیگران برتر می‌داند، و تکبر صفتی است که به سبب آن ابلیس از بهشت بیرون رانده شد، چنانچه الله متعال می‌فرماید:

﴿إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾

«مگر ابلیس که از فرمان الهی تکبر نمود، و از کافران شد». [ص: ۷۴]

(۲۹) روح معانی (۲/۳۳۷).

(۳۰) بخاری، در صحیحش کتاب بدء خلق، باب ذکر ملائكة، حدیث شماره ی (۳۲۱۰)، و مسلم، در صحیحش کتاب سلام، باب تحريم كهانة واتيان كهان، حدیث شماره ی (۲۲۲۸) از روایت عائشة - رضي الله عنها - .

ساحر تکبر می‌ورزد، و با مردم با ترش‌رویی برخورد می‌کند، حال آنکه او خوارترین مردم در برابر شیطان است، و بیش از همه مردم از شیطان هراس دارد، چنانچه الله متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾

«و عده‌ای از آدمیان به عده‌ای از جنیان پناه می‌بردند، و اینگونه بر طغیان و سرکشی آنها می‌افزودند»، [الجن: ۶]

پس هر کس در برابر شیطان خود را ذلیل کند، سزاوار است که تحقیر شود.

آیا جادوگر خوشبخت است؟

جادوگر در این زندگی بدبخت است، خوشبختی از زندگی او رخت بر بسته، و شیرینی دین را از دست داده است، شنیدن قرآن را دوست ندارد، و از اذان می ترسد، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَمُحْشَرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾

«و هر کس از یاد من روی بگرداند، زندگانی تنگ و دشواری خواهد داشت، و روز قیامت او را نابینا حشر می کنیم.» [طه: ۱۲۴]

ساحر وقت خود را به دور از مردم می گذراند، و با آنها تعامل نمی کند، و با مردم رابطه نمی گیرد، مگر وقتی که از او درخواست جادو و ایجاد زیان برای مردم کنند، و شیخ الاسلام - رحمه الله - حالت ساحر را اینگونه بیان می کند: "همواره به نجاست آلوده است، و با سگ ها زندگی می کند، به دستشویی ها و زباله دان ها و قبرها پناه می برد، بوی تعفن می دهد، و طهارت و نظافت شرعی را رعایت نمی کند، و خود را تمیز نمی کند" (۳۱).

جادوگر نگون بخت است، و شب‌ها به راحتی چشم بر هم نمی‌بندد، و روز را با خوشبختی آغاز نمی‌کند، بلکه شب خود را با بخورها و اوراد شیطانی و زمزمه‌های شرک‌آلود در جاهای تاریک صبح می‌کند، و سپس در حالی که خستگی و غم در او موج می‌زند را به خواب سپری می‌کند.

این حال و روز جادوگر سرکش است؛ الله می‌فرماید:

﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾

«و پروردگار تو هرگز به بندگان ستم نمی‌کند»، [فصلت: ۴۶]

و نیز الله متعال می‌فرماید:

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَعَذَّبْنَا لَهُمُ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

﴿وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ﴾

«کسانی که کفر ورزیدند را در دنیا و آخرت، به عذابی سخت

گرفتار می‌کنم، و هیچ یابوری نخواهند داشت». [آل عمران: ۵۶]

و عاقبت کردار ساحر دامنگیر او و کسی که از او درخواست

سحر کرده، خواهد شد؛ الله متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ﴾

«و نیرنگ بد تنها دامنگیر صاحبش می گردد». [فاطر: ۴۳]

ساحر - به هر جا رو کند - علامت بدبختی و زیانمندی بر
چهره اش هویدا است؛ الله متعال می فرماید:

﴿وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى﴾

«و جادوگر هر جا باشد، موفق و رستگار نمی شود»، [طه: ۶۹]

قرطبی - رحمه الله - می گوید: "یعنی موفق نمی شود، و هر جا
برود نجات نمی یابد" (۳۲).

و همه اعمالش نزد الله پوچ است چون او به الله کفر ورزیده،
چنان که الله متعال می فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ
عَمَلُكَ وَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

«به تو و به پیامبران پیش از تو وحی شده است که اگر
شرک ورزی کردارت (باطل و بی پاداش می گردد و) هیچ و نابود

می‌شود، و از زیانکاران خواهی بوده». [الزمر: ۶۵]

پس مراجعه کننده به ساحر انتظار چه برخوردی دارد در حالی که ساحر خود به دوزخ وعده داده شده است؟! و کسی که برای برآورده شدن خواسته هایش به - حقیرترین بندگان الله یعنی: - ساحر دل می‌بندد به چه خواهد رسید؟!

ساحر از سحر چه سودی می برد؟

جادوگر برای دستیابی به مقام جعلی، و پوشاندن نقص و ضعف خود؛ - که نتیجه ی برخورد اهانت آمیز شیطان با او بوده - به سحر و جادو رو می آورد، شیخ الاسلام - رحمه الله - می گوید: "کسانی که وارد دنیای سحر می شوند، و ستارگان را می پرستند، و به دعا می خوانند، و مورد خطاب قرار می دهند، و برای آن سجده می نمایند، هدفشان دستیابی به مال و ریاست است، بنابراین برای دستیابی به هدف وهمی خود به الله کفر و شرک می ورزند، اما به چیزی جز آنچه به زیانشان خواهد بود و سودی برایشان ندارد دست نمی یابند، چنانچه بررسی حال آنها در دنیا نشانگر این واقعیت است" (۳۳).

ساحر به طمع دستیابی به مال به جادو رو می آورد، و مرتکب شرک می شود؛ فرعون وقتی از ساحران خواست با موسی - علیه السلام - رویارویی کنند از او درخواست مال و پاداش کردند، الله متعال از ساحران حکایت می کند، که گفتند:

﴿إِنَّا لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ﴾

«آیا اگر ما (بر موسی) پیروز شویم، پاداشی خواهیم داشت؟»، [الشعراء: ۴۱]

فرعون به آنها وعده ی مال و پاداش را داد و نیز وعده داد که آنها را به خودش نزدیک خواهد کرد، چون ساحران مال و شهرت را دوست دارند.

ساحر از این جهت به سحر رو می آورد؛ چون به این پی برده که به بنده ی شیطان مبدل شده است، و شیطان زیان های زیادی را به او وارد کرده است، و بسیاری از مصالح مفید او را تباه کرده است؛ بنابراین می کوشد تا به دیگران زیان برساند، شیخ الاسلام - رحمه الله - می گوید: "شیطان خودش پلید است و وقتی صاحبان طلسم و کتاب های سحر و تعویذ، با آنچه شیطان دوست دارد از قبیل: کفر، و شرک به او نزدیک می شوند؛ گویی: به آنها رشوه داده است، و آنگاه شیاطین بعضی از اهداف ساحران را برآورده می کنند، مانند کسی که به فرد دیگری پول می دهد تا کسی را که او می خواهد به قتل برساند، یا او را در انجام کار زشت و منافی عفت کمک کند، یا با کسی زنا کند" (۳۴).

سزای ساحر

از آن جایی که ساحران برای افراد و جوامع خطر بزرگی بشمار می روند؛ بنابراین برای اینکه جوامع از شر آنها در امان بمانند از دیدگاه شرع به مجازات گردن زدن، و مرگ محکوم شده اند، چنانچه از بجاله بن عبدالله روایت است که گفت: عمر بن خطاب - رضی الله عنه - به فرمانداران خود نوشت: "ساحران - چه مرد و زن - را بکشید". روایت بیهقی در سنن کبری^(۳۵). و در روایت صحیح از حفصه - رضی الله عنها - نقل شده است که: "او دستور داد یکی از کنیزانش که او را جادو کرده بود را به قتل برسانند، و آن کنیز کشته شد". موطأ امام مالک^(۳۶).

این سزای کسی است که به الله کفر ورزد و بندگانش را در دنیا مورد آزار و اذیت قرار دهد، و اما در آخرت همانگونه که الله می فرماید: الله می فرماید:

(۳۵) در سنن کتاب قسامة، در باب تکفیر ساحر وقتله ان کان ما یسحر به کلام به کلام کفر صریح، حدیث شماره ی (۱۶۴۹۸).

(۳۶) در موطأ کتاب عقول، در باب ما جاء فی غیلة وسحر، حدیث شماره ی (۳۲۴۷) از محمد بن عبدالرحمن - رحمه الله - .

﴿وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ﴾

«و قطعاً آنان می دانستند که هر کس خریدار چنین متاعی باشد،

در آخرت هیچ بهره ای ندارد»، [البقرة: ۱۰۲]

یعنی در آخرت بهره ای ندارد و سرانجام و سرای او جهنم است.

مراجعة كنده به ساحر

درخواست کننده ی سحر با ساحر در گناه شریک است

کسی که از ساحر درخواست سحر می کند؛ در حقیقت دین خود را به دنیا فروخته است، و با رضایت به انجام سحر؛ که در واقع یکی از نواقض اسلام است، خود را در معرض خشم و غضب الله قرار داده است، شیخ محمد بن عبدالوهاب - رحمه الله - می گوید: "هر کسی سحر کند، یا به آن راضی شود؛ کافر و از دین خارج می شود" (۳۷).

کسی که پیش جادوگر می رود تا به دیگران زیان و آسیب برساند؛ در نهایت حسادت و کینه ورزی قرار دارد، چون به دیگران به خاطر نعمتی که الله به آنان بخشیده است، حسادت می ورزد، و اینگونه آخرتش را با پیروی از هوای نفس خود، و راضی نبودن از تقدیر الهی، تباه کرده است.

کسی که پیش ساحر می رود مرتکب اشتباه شده؛ و این اشتباه نافرمانی خالق و ظلم بر مخلوق را در بر دارد.

(۳۷) نواقض اسلام - قسمت اول از مرحله ی یکم از مجموعه ی متن های طالب علم، تحقیق: شیخ عبدالمحسن القاسم (ص ۲۷).

کسی که در تلاش برای ضرر زدن به دیگران است، به خواسته خود نخواهد رسید؛ زیرا الله مظلوم را بر ظالم برتری می‌دهد، و چه بسا آرزوهای کسی که سحر شده برآورده می‌شود، شیخ الاسلام - رحمه الله - می‌گوید: "کینه ورزی حسود به نعمتی که الله بر بنده‌اش ارزانی داشته است، یک بیماری است؛ و گاهی این نعمت و بزرگتر از آن از فردی که مورد حسادت است زدوده می‌شود، و چه بسا شبیه آن نعمتی که در فرد مورد حسادت وجود دارد برای فردی مانند فرد مورد حسادت رخ دهد" (۳۸).

ای ستمگر اندکی درنگ کن! عقوبت سحر دامنگیر تو خواهد شد، و چه بسا الله کسی را بر تو مسلط کند که با سحر یا به صورت دیگر به تو آزار رساند.

شاعر می‌گوید: "و هیچ دستی نیست مگر اینکه دست الله بالاتر از آن است. *** و هیچ ظالمی نیست مگر اینکه گرفتار ظالم دیگری می‌شود" (۳۹).

الله متعال می‌فرماید:

(۳۸) مجموع فتاوی (۱۰/۱۱۲).

(۳۹) تمثیل ومحاضرة (ص ۱۰)، ومدخل الی تقویم اللسان (۵۴۹).

﴿وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ﴾

«و نیرنگ بد تنها دامنگیر صاحبش می گردد»، [فاطر: ۴۳]

ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: "یعنی وبال کارشان فقط به خودشان برمی گردد نه به دیگران، ... و محمد بن کعب قرظی - رحمه الله - می گوید: سه کار است که هر کس مرتکب آن شود تا اینکه دچار آن نشود نجات نخواهد یافت: نیرنگ، و یا تجاوز، و عهدشکنی، و این مطلب در قرآن تأیید شده است" (۴۰).

و دعاهای فردی که سحر شده شب و روز در گوش فلک می چرخد، و الله متعال وعده داده است که دعای مظلوم را اجابت خواهد کرد، چنانچه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «سه نوع دعا بدون شک اجابت می شوند: دعای مظلوم، و دعای مسافر، و دعای پدر علیه فرزندش». روایت ترمذی (۴۱).

و کسی که علیه مردم توطئه چینی می کند باید بداند که ناتوان تر از آن است که نیرنگ او علیه آفریدگار کارساز باشد، الله متعال

(۴۰) تفسیر ابن کثیر (۶/۵۵۹).

(۴۱) در جامعش، أبواب بر وصله، در باب ما جا فی دعوة والدین حدیث شماره ی (۱۹۰۵) از روایت ابوهریره

می فرماید:

﴿قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا﴾

« بگو: (تدبیر) الله سریع تر و کارسازتر از مکر شماست.»

و انسان‌های بیگناه و مظلوم کسی را دارند که از آنها دفاع کند،

الله متعال می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ﴾

«بی تردید الله از مؤمنان دفاع می کند و قطعاً الله هیچ خیانتکار

ناسپاسی را دوست ندارد.» [الحج: ۳۸]

و عاقبت ظلم و خیم است، و الله ظالم را به عذاب دردناک وعد

داده است، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿وَمَنْ يَظْلِمِ مِّنْكُمْ نَذِقْهُ عَذَابًا كَثِيرًا﴾

«و هر کس از شما که ستم (شرك) کند، عذاب بزرگی به او می

چشانیم.» [الفرقان: ۱۹]

کسی که به ساحر مراجعه می کند در واقع در دام شیطان افتاده

است، و از دین خارج می شود، و حقیقت کوتاهی دنیا را به فراموشی

سپرده است، و در قبر تاریک به تنهایی گذاشته می شود، و در پیش روی دآوری دادگر قرار خواهد گرفت، و سزای ظمی که در حق فرد مورد سحر قرار گرفته را مرتکب شده است، خواهد دید.

ای کسی که پیش جادوگر می روی! توبه ی خود را اعلام کن، و گره های طلسم هایی که دیگران را با آن سحر کرده ای بگشا؛ پیش از آن که مصیبت ها دامنگیر تو شود.

چگونگی پناه گرفتن

از جادو

پیشگیری از سحر پیش از بروز آن

الله متعال انسان را آفریده، و دشمنانی را برای او قرار داده است، و اسبابی را برای در امان ماندن از شر بدکاران معرفی نموده است، که برخی از آنها عبارتند از:

۱- توکل کردن بر الله؛ مؤمن به الله دل می‌بندد، و همه کارهایش را به او می‌سپارد، و می‌داند که بی‌اذن و اجازه‌ی الله هیچگونه ضرر و زیانی به او نخواهد رسید، چنانچه پیامبر - صلی الله علیه و سلم - می‌فرماید: **«بدان که اگر همه‌ی امت جمع شوند تا سودی به تو برسانند؛ هیچ سودی به تو نمی‌توانند برسانند، جز آنچه الله برای تو مقدر کرده است، و اگر همه‌ی گرد هم آیند تا به تو زیانی برسانند؛ نمی‌توانند به تو زیانی برسانند، جز چیزی که الله برایت مقدر کرده است، قلم‌ها برداشته شده، و کاغذها خشک شده‌اند»**. روایت ترمذی (۴۲).

و الزاماً همه‌ی سحر و طلسم‌ها بر انسان سحر شده اثر نمی‌کند؛ چه بسیار طلسم‌ها و سحرهایی که بسته شده است، ولی بر انسان مورد

(۴۲) در جامعش، ابواب صفة قیامت و رقایق و ورع، حدیث شماره‌ی (۲۵۱۶) از روایت ابن عباس - رضي

نظر تأثیری نداشته است، و مگر شیطان می‌تواند به دور از خواست الله جهان هستی را به تباهی بکشاند؟! الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾

«البته (ساحران) بدون اجازه و تقدیر الهی نمی‌توانند با سحر به کسی آسیبی برسانند». [البقرة: ۱۰۲]

۲- کثرت ذکر و یاد الله، - از قبیل: تلاوت قرآن، استغفار، و تسبیح، و سایر انواع ذکرها -؛ زیرا ذکر الله همچون دژ مستحکمی است در برابر افراد شرور، و هر قدر انسان از الله، و پناه بردن به او، و از روی آوردن به او دور شود، مصیبت‌هایش بیشتر خواهد شد، و شیاطین انس و جن برای ضربه زدن به آنها راه خواهند یافت.

ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: "هرگاه قلب از یاد الله سرشار بود، و با ذکر الله آباد شود، و با ورد و تکرار دعا و اذکار به الله رو آورد، و در آن کوتاهی نکند، و قلب و زبانش با یکدیگر هم‌آهنگ باشد، این از بزرگترین اسبابی است که مانع دچار شدن او به سحر می‌شود، و چنانچه دچار سحر شود، پابندی بر ذکر از بزرگ‌ترین درمان‌های آن بشمار می‌رود" (۴۳).

۳- دوری از گناهان؛ به ویژه دوری از گوش دادن به موسیقی؛ زیرا موسیقی از بزرگترین چیزهایی است که باعث ورود شیاطین به خانه‌ها و درون افراد می‌شود؛ و تلاوت قرآن و ذکر الله، شیاطین را دور می‌سازد.

۴- پایبندی بر ادای نماز صبح در جماعت همراه با مسلمانان در مساجد، پیامبر - صلی الله علیه و سلم - می‌فرماید: **«هر کس نماز صبح را بخواند؛ در پناه الله خواهد بود»**. روایت مسلم^(۴۴)، و هر کس که در پناه الله باشد؛ شیطان راه ورودی بر او نخواهد داشت.

۵- خواندن سوره بقره در خانه، پیامبر - صلی الله علیه و سلم - می‌فرماید: **«سوره ی بقره را بخوانید؛ پایبندی به آن برکت است، و ترک آن حسرت است، و ساحران نمی‌توانند از سپری که این سوره ایجاد می‌کند عبور کنند»**. روایت مسلم^(۴۵)، و نیز رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمود: **«شیطان از خانه‌ای که در آن سوره ی بقره خوانده**

(۴۴) در صحیحش، کتاب مساجد و مواضع صلاة، در باب فضل صلاة عشاء و صبح في جماعة، حدیث شماره ی (۶۵۷) از روایت جندب بن عبدالله - رضي الله عنه - .

(۴۵) در صحیحش، کتاب صلاة مسافرين و قصرها، در باب فضل قرأت قرآن، و سورة بقره، حدیث شماره ی (۸۰۴) از روایت ابو امامة باهلي - رضي الله عنه - .

می شود فرار می کند». روایت مسلم^(۴۶).

۶- مداومت بر خواندن معوذتین؛

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾

هر صبحگاه و شامگاه، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به عقبه بن عامر - رضی الله عنه - سفارش کرد این دو سوره را بخواند، و به او گفت: **«با قرائت آن دو پناه بجوی؛ زیرا هیچ پناه جویی به چیزی مانند آنها پناه نجسته است».** روایت ابوداود^(۴۷).

ابن قیم - رحمه الله - می گوید: "نیاز بنده به پناه جستن با این دو سوره از نیاز به آب و خوراک و لباس بیشتر است"^(۴۸).

۷- شب و روز چه وقتی که در بیابان یا در آبادی یا جایی سکونت گزیدید، و یا اگر در سفر هوایی یا دریایی بودید؛ به کثرت این ذکر را تکرار کنید: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» یعنی: «به کلمات کامل الهی از شر آنچه آفریده پناه می برم»، پیامبر -

(۴۶) در صحیحش، کتاب صلاة مسافرين وقصرها، در باب استحباب صلاة النافلة في بيته، حديث شماره ی (۷۸۰) از روایت ابو هريره - رضی الله عنه - .

(۴۷) در سننش، کتاب صلاة، در باب في معوذتين، حديث شماره ی (۱۴۶۳) .

(۴۸) بدایع فواید (۱۹۹/۲) .

صلی الله علیه و سلم - می فرماید: «هر کس هنگام اقامت در جایی بگوید: **أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ؛ تا وقتی که در جای خود بماند هیچ چیزی به او زیانی نمی رساند**». روایت مسلم (۴۹).

۸- خواندن دو آیه آخر سوره بقره در اول شب، الله می فرماید:

﴿ءَاْمَنَ الرَّسُوْلُ بِمَا اُنزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ وَالْمُؤْمِنُوْنَ كُلُّ ءَاْمَنَ بِاَللّٰهِ
وَمَلَائِكَتِهِ ۚ وَكُتُبِهِ ۚ وَرُسُلِهِ ۚ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا
سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا ۗ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ * لَا يَكْفِيْكَ اللهُ نَفْسًا اِلَّا
وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِينَا
اَوْ اَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَي الَّذِيْنَ مِنْ
قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۗ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا
وَارْحَمْنَا ۗ اَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَي الْقَوَمِ الْكٰفِرِيْنَ ۙ﴾

«پیامبر به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است، ایمان دارد، و مؤمنان نیز همگی به الله و فرشتگانش، و به کتاب های آسمانی

(۴۹) در کتاب ذکر ودعا و توبه واستغفار، در باب فی تعوذ من سوء قضا و درك شقا وغيره. حدیث شماره ی

(۲۷۰۸) از روایت خولة بنت حكيم - رضي الله عنها - .

و پیامبران الهی، ایمان دارند، و می گویند: ما میان هیچ یک از پیامبران الهی فرق نمی گذاریم. و فرمان پروردگار را شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! ما را پیامرز و بازگشت به سوی توست * الله هیچ کس را فراتر از توانش مکلف نمی کند. هر کس عمل شایسته‌ای انجام دهد؛ به نفع خود اوست، و اگر گناه و عمل زشتی مرتکب شود؛ به ضرر خود اوست، (و می گویند:) پروردگارا! اگر به فراموشی یا به اشتباه، گناهی مرتکب شدیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا! آن‌چنان عهد و پیمان دشواری که بر امت‌های پیشین نهادی بر ما مقرر مکن. پروردگارا! تکلیف و بلای سنگینی که تاب و توان آن را نداریم، بر دوش ما مگذار و از ما در گذر و ما را بیخشای و بر ما رحم کن. تو مولا و یاور مایی؛ پس ما را بر کافران پیروز بگردان». [البقرة: ۲۸۵-۲۸۶]

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: **«هر کسی در شب دو**

آیه ی آخر سوره ی بقره را بخواند برای او کافیت». متفق علیه^(۵۰).

۹- خواندن آیه الکرسی به هنگام خوابیدن، پیامبر - صلی الله علیه

وسلم - می فرماید: **«هر کس آیه الکرسی را وقتی به رختخواب می رود**

(۵۰) بخاری در صحیحش، کتاب فضایل قرآن، در باب فضل سورة بقره، حدیث شماره ی (۵۰۰۹)، و مسلم، در صحیحش، کتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب فضل الفاتحة، و خواتیم سورة البقره وحث علی قراءة الآيتين من آخر البقره، حدیث شماره ی (۸۰۷) از روایت ابو مسعود - رضي الله عنه - .

بخواند، تا صبح همواره از سوی الله نگهبانی خواهد داشت، و هیچ شیطانی به او نزدیک نخواهد شد. روایت بخاری^(۵۱).

۱۰- خوردن هفت دانه خرما از خرماى عجوه مدینه هر صبحگاه
 - عجوه نوعی از خرماهای مدینه است - پیامبر - صلی الله علیه و سلم
 - می فرماید: «هر کسی صبح هفت دانه خرماى عجوه بخورد، در آن روز هیچ سمّ و سحری به او ضرری نخواهد رساند». متفق علیه^(۵۲).

۱۱- مواظبت بر گفتن اذکار صبحگاه و شامگاه از جمله:

الف- خواندن آیه الکرسی:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾

(۵۱) بخاری در صحیحش، کتاب فضایل القرآن، در باب فضل سورة البقرة، حدیث شماره ی (۵۰۱۰) از روایت ابو هریره - رضی الله عنه - .

(۵۲) بخاری در صحیحش، کتاب اطعمة، باب عجوة، حدیث شماره ی (۵۴۴۵)، و مسلم در صحیحش، کتاب أشربة، باب فضل تمر المدينة، حدیث شماره ی (۲۰۴۷) از روایت سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنه - .

«الله (معبود یکتاست) هیچ معبود برحقى جز او نیست؛ زنده و برپادارنده است؛ نه خوابی سبک و نه سنگین او را فرو نمی‌گیرد؛ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است (و آینده و گذشته ی آنان را) می‌داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی‌یابند. کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و او والای بزرگ است.» [البقرة: ۲۵۵]

ب- خواندن معوذتین:

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ * وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ *
وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾

«ای پیامبر! بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده دم * از شرّ هر مخلوقی که الله آفریده است * و از شرّ شب تاریک، آنگاه که فرا می‌رسد * و از شرّ زنان افسونگری که در گره‌ها می‌دمند * و از شرّ هر حسود، آنگاه که می‌خواهد زیانی برساند.» [الفلق: ۱-۵]

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ *﴾

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ *
مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿﴾

«ای پیامبر! بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم * پادشاه و فرمانروای مردم * یگانه معبود برحق مردم که تنها او شایسته عبادت است * از شرّ شیطان و سوسه‌گر نهران شونده * آنکه درون سینه‌های مردم و سوسه می‌افکند * اعم از جن و انسان». [الناس: ۱-۵]

ج- سه بار گفتن "بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ". «به نام الله یگانه‌ای که با اسم او و برکت نام او هیچ چیز نه در آسمان و نه در زمین خسارت نمی‌بیند و او شنوا و داناست».

پیامبر - صلی الله علیه و سلم - می‌فرماید: «هر کسی سه بار بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ تا صبح بلای ناگهانی به او نمی‌رسد، و هر کس به هنگام صبح سه بار آن را بگوید؛ تا شب هیچ بلایی ناگهانی به او نمی‌رسد». روایت ابوداود (۵۳).

(۵۳) در سننش، کتاب ادب، باب ما یقول اذا اصبح، در حدیث شماره ی (۵۰۸۸) از حدیث عثمان بن عفان - رضی الله عنه - .

د- گفتن: «**أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ**» «به کلمات کامل الهی از شر آنچه که آفریده است، پناه می‌برم».

ابوهریره - رضی الله عنه - می‌گوید: مردی نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: دیشب عقربی مرا نیش زد، و درد بسیاری کشیدم، فرمود: «**چرا شب هنگام نگفتی: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، اگر این را می‌گفتی به تو آسیبی نمی‌رساند.**» روایت مسلم^(۵۴).

ه- گفتن ذکر: «**أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ، وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَعْرَجُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِي الْأَرْضِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمَنُ**» «به کلمات کامل الهی که هیچ نیکوکار و هیچ بدکاری نمی‌تواند از آن فراتر رود پناه می‌برم. از شر آنچه آفریده و از شر آنچه از آسمان فرود می‌آید و از شر آنچه در آن بالا می‌رود و از شر آنچه در زمین پخش کرده و از شر آنچه از آن بیرون می‌آید و از شر

(۵۴) در صحیحش، کتاب ذکر ودعا وتوبة واستغفار ، در باب تعوذ من سوء القضاء ودرك الشقاء وغيره، حدیث شماره ی (۲۷۰۹).

فته‌های شب و روز و از شرّ هر آنچه که در شب پیش می‌آید جز آنچه که به خیر و نیکی شب هنگام می‌آید ای رحمان». روایت احمد^(۵۵).

و- گفتن هفت بار: «حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ».

ابودرداء - رضی الله عنه - می‌گوید: "هر کسی صبحگاه یا شامگاه هفت بار بگوید: «حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ». الله متعال آنچه او را اندوهگین کرده است کفایت می‌کند، خواه صادقانه آن را بگوید یا در گفتن آن صادق نباشد". روایت ابوداود^(۵۶).

ز- ابوبکر رضی الله عنه می‌گوید: "ای رسول الله! به من چیزی بگو که صبحگاه و شامگاه آن را بگویم! فرمود: «بِكَو: اللَّهُمَّ عَالَمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكُمْ» «بار الها! ای داننده‌ی پنهان و آشکار! و ای آفریننده و گسترنده‌ی آسمان‌ها و زمین! ای پروردگار و مالک همه‌چیز! گواهی می‌دهم که جز تو معبود

(۵۵) در کتاب مسند، حدیث شماره ی (۱۵۴۶۱) از روایت عبدالرحمن بن خنیس التمیمی

(۵۶) در سننش، کتاب ادب، در باب ما یقول اذا أصبح حدیث شماره ی (۵۰۸۱).

برحقی نیست، به تو از شر نفس خود و از شر ابلیس و شرک او پناه می‌جویم، فرمود: آن را صبحگاه، و شامگاه، و وقتی به رختخواب می‌روی بگو». روایت ترمذی^(۵۷).

ح - گفتن "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَكَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلِيٌّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ". «هیچ معبودی جز الله نیست که تنها و بی شریک است، پادشاهی و سپاس و ستایش سزاوار او و از آن اوست و او بر هر چیزی و هر کاری تواناست».

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «هر کسی روزی صد بار بگوید: "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَكَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلِيٌّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ" به او پاداش آزاد کردن ده برده داده می‌شود، و برایش صد نیکی نوشته می‌شود، و صد گناهان از او پاک می‌گردد، و در آن روز تا غروب را از شیطان در امان می‌ماند، و هیچ کس عمل نیک بهتری از آنچه او انجام داده، انجام نخواهد داد، مگر کسی که بیشتر از این عمل را انجام دهد». متفق علیه^(۵۸).

(۵۷) در جامعش ابواب الدعوات، حدیث شماره ی (۳۳۹۲) از روایت ابو هریره - رضي الله عنه - .

(۵۸) بخاری در صحیحش، کتاب بدء خلق، در باب صفة ابلیس و جنوده، حدیث شماره ی (۳۲۹۳)، و مسلم در صحیحش، کتاب ذکر، ودعا و توبه و استغفار، در باب فضل تهلل و تسبیح و دعا، حدیث شماره ی

(۲۶۹۱) از روایت ابو هریره - رضي الله عنه - .

سستی در گفتن اذکار صبحگاه و شامگاه از بزرگترین اسباب تسلط شیاطین بر انسان‌ها، و از اسباب مبتلا شدن به چشم زخم است، ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: "بیشترین عامل تسلط ارواح خبیثه بر کسانی که دچار صرع و تشنج می‌شوند؛ کمبود دین‌داری آنهاست، و این که دل‌هایشان و زبان‌هایشان از حقایق ذکر و تعاویذ نبوی و ایمانی خالی و تهی شود" (۵۹).

چگونه اوراد و اذکار بر کودکان و زنان خوانده شود

اذکار صبحگاه و شامگاه دعاهایی هستند که به وسیله ی آن انسان خود را از جن‌ها و انسان‌های شرور در امان نگه می‌دارد، و شرط نیست که هنگام خواندن آن فوت شود، و همچنین لازم نیست که وقتی آن را می‌خوانی فرزندان و همسرت نزد تو باشند؛ چون اوراد در واقع دعا هستند، و تو به درگاه الله دعا می‌کنی که آنها را حفاظت کند، و شرط نیست که بخوانی و بر آنها فوت کنی، و یا نزدیک آنها باشی.

کیفیت خواندن اوراد بر فرزندان و یا همسر و یا یکی از خویشاوندان و یا کسی دیگر به نحوه ی ذیل است؛ بگو:

۱- «أَعِذْكُمْ بِرَبِّ الْفَلَقِ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ، وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» «شما را در پناه پروردگار صبح قرار می‌دهم؛ از شر آنچه الله آفریده، و از شر تاریکی وقتی فرا می‌رسد، و از شر گره‌هایی که در آن دمیده شده، و از شر حسود وقتی حسادت می‌کند».

۲- «أَعِذْكُمْ بِرَبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ، مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ

الْخَنَاسِ، الَّذِي يُوسِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» «شما را در پناه پروردگار مردم قرار می‌دهم؛ از شر وسوسه انسان‌ها و جن‌هایی که در دل مردم وسوسه ایجاد می‌کنند».

۳- «أُعِيدُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَةٍ» «شما را در پناه کلمات کامل الهی قرار می‌دهم؛ از شر هر شیطان و حشرات سمی و از شر هر حسود چشم زنده‌ای».

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - حسن و حسین - رضی الله عنهما
- را با همین دعا پناه می‌دادن. روایت بخاری^(۶۰).

۴- «أُعِيدُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» سه بار. «شما را از شر هر آنچه الله آفریده در پناه کلمات کامل قرار می‌دهم».
و به همین صورت بقیه ی ادعیه .

(۶۰) در صحیحش کتاب أحادیث انبیاء، حدیث شماره ی (۳۳۷۱) از روایت ابن عباس - رضی الله عنهما

کسانی که سحر در آنان تأثیر می‌گذارد

هر کسی به الله نزدیک باشد؛ آفت‌ها و شرها از او دور خواهند شد، و کسی که به پروردگارش نزدیک باشد، و به کثرت ذکر او را بگوید؛ در حقیقت از شر شیاطین انس و جن خود را در دژ محکمی قرار می‌دهد، الله متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا﴾

«ای ابلیس! همانا تو بر بندگان خالص و مطیع من هیچ تسلطی نخواهی داشت، (و ای پیامبر!) همین بس که پروردگار تو حامی و نگهبان تو باشد»، [الإسراء: ۶۵]

و هرگاه بنده ذکر الهی را نگوید، و کمتر مولایش را بندگی کند؛ مسلط شدن شیطان بر او آسان‌تر خواهد بود.

و سحر بر دل‌هایی تأثیر می‌گذارد که اغلب از ذکر و طاعات الهی تهی هستند، ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: "غالباً سحر و جادو زنان، و کودکان، و افرادی که علم و دانش ندارند، و بادیه‌نشینان، و کسانی که بهره کافی از دین‌داری و توکل و توحید ندارند، و بهره‌ای از اوراد و اذکار و دعاها و تعویذات نبوی ندارند، را تحت تأثیر قرار می‌دهد."

و از آنجا که زنان و همچنین کودکان کمتر عبادت و ذکر الله می‌گویند، بیشتر سحر در آنها تأثیر می‌گذارد، چون والدین کمتر اذکار و ادعیه را بر کودکان خود می‌خوانند، و همچنین اهل فساد و گناه و منکرات بیشتر تحت تأثیر سحر قرار می‌گیرند، و بیشترین کسانی که سحر می‌شوند، و از چشم زخم رنج می‌برند؛ کسانی هستند که خانه‌هایشان پر از آلات موسیقی است؛ چون سحر و چشم زخم چیزهای ناپاکی هستند، و هر کسی از الله دور باشد و به گناه نزدیک باشد تأثیر گذاشتن بر او آسان‌تر خواهد بود، بر خلاف کسی که خود را با ذکر الهی مصون می‌دارد، و دلش سرشار از ذکر الله است؛ زیرا شیطان از کسی که این‌گونه باشد می‌ترسد، الله متعال از زبان ابلیس اینگونه برای ما بازگو می‌کند:

﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ﴾

«گفت: به عزت تو سوگند که همه آنان را گمراه می‌کنم * مگر

بندگان مخلصت را که بر آنان تسلطی ندارم». [ص: ۸۲-۸۳]

چگونگی از بین بردن

سحر

با چه چیزی سحر صورت می گیرد

سحر از راه‌های مختلفی انجام می‌شود، و این راه‌ها عبارتند از:

۱- گاهی سحر از طریق خوراندن آن صورت می‌گیرد؛ به این صورت که سحر در غذا نهاده می‌شود، و فردی که سحر می‌شود در حالی که نمی‌داند غذا را می‌خورد و سحر در بدنش - به اذن الله - اثر می‌کند، و نیز امکان دارد به فرمان الهی سحر اثر نکند.

۲- گاهی نیز سحر از طریق نوشیدنی انجام می‌شود؛ به این صورت که فرد سحر شده آن را با آب میوه یا چای و غیره می‌نوشد. سحری که با خوردن و آشامیدن انجام می‌شود، به ماده‌ای چسبنده تبدیل می‌شود که به دیواره معده می‌چسبد؛ و بدینگونه سحر در شکم فردی که سحر شده باقی می‌ماند، و اگر فردی که سحر شده استفراغ نکند، و آن طلسم را از شکمش خارج نکند؛ در شکم خود دچار مشکلاتی می‌گردد.

۳- گاهی سحر با پاشیدن طلسم و سحر انجام می‌شود، به این صورت که سحر در جایی از زمین قرار داده می‌شود و زمانی که فرد

مد نظر سحر بر آن پا بگذارد در او - به حکم الله - اثر می‌کند و گاهی هم از آن جا که الله بندگانش را حفاظت می‌کند اثر نمی‌کند.

۴- گاهی سحر به صورت طلسم و جدول‌های نوشتنی خواهد بود، بدون اینکه چیزی از متعلقات فرد سحر شده در آن بکار رفته باشد، و چنین سحری اگر هم تاثیری داشته باشد - به اذن الله - تاثیر ضعیفی بر فرد سحر شده دارد؛ زیرا برای تاثیرگذاری قوی سحر نیاز به متعلقات فرد مسحور وجود دارد.

۵- گاهی نیز سحر با نخ‌های گره زده شده انجام می‌شود؛ در این صورت ساحر چیزی از متعلقات فرد مورد نظر، مانند: مو یا تکه‌ای از لباس‌های او را برمی‌دارد، و سپس آن را گره می‌زند، و در آن با نفس پلید خود فوت می‌کند.

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - اینگونه سحر شد؛ با شانه‌ای و قسمتی از موهایی که از سر و بدنش ریخته شده بود، و سپس با آن جادو شد، و گره زده شدند، و آنگاه که در پوشه خوشه خرمایی و در غلاف گرد خرما پنهان شده، و به چاهی انداخته شد چنانکه در صحیح بخاری و مسلم^(۶۱) آمده است.

(۶۱) در صفحه (۱۰) آدرس آن ذکر شد.

روش دانستن جای سحر و طلسم

محل سحر و طلسم با یکی از این دو روش مشروع امکان پذیر

است:

۱- یا اینکه جئی که در بدن فرد سحر شده از سحر و طلسم نگهبانی می کند، پس از خواندن قرآن بر آن فرد، به حرف بیاید، و جای سحر پنهان شده را بگوید، و آنگاه بیرون آورده می شود.

۲- و یا اینکه الله در حق فردی که سحر شده لطف کند؛ و او محل سحر را در خواب ببیند، و به جای طلسم و سحر را از طریق خواب پی برده شود.

دو راه حل برای از بین بردن سحر

۱- دعا و روی آوردن به الله برای فک سحر و رهایی یافتن از آن؛ عائشه - رضی الله عنها - می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آنچنان تحت تاثیر این سحر بود که کاری را که انجام نداده بود، گمان می کرد که آن را انجام داده است، تا اینکه روزی شبی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دعا کرد، و دعا کرد، و دعا کرد... " متفق علیه. ^(۶۲)، و آنگاه الله متعال دعایش را اجابت کرد.

و فردی که دعا می کند، باید فروتنانه، و با اصرار، و با پابندی بر آداب دعا - از قبیل: رو به قبله دعا نمودن، و دعا کردن به هنگام اوقات اجابت، مانند: یک سوم اخیر شب - دعا کند، الله متعال در مورد یک سوم آخر شب در حدیث قدسی می گوید: **«چه کسی مرا می خواند، تا او را اجابت کنم؟ و چه کسی از من درخواست آمرزش می کند، تا او را پیامرزم؟»**. متفق علیه ^(۶۳).

(۶۲) بخاری در صحیحش، کتاب طب، در باب سحر، حدیث شماره ی (۵۷۶۶)، و مسلم در صحیحش، کتاب سلام، در باب سحر، حدیث شماره ی (۲۱۸۹).

(۶۳) بخاری در صحیحش، کتاب التهجد، باب دعا فی صلاة من آخر اللیل، حدیث شماره ی (۱۱۴۵)، و مسلم در صحیحش، کتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب ترغیب در دعا و ذکر فی آخر اللیل، والإجابة فیه، حدیث شماره ی (۷۵۸) از روایت ابو هریره - رضی الله عنه -.

و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «در شب وقتی وجود دارد که هیچ مسلمانی در آن وقت از الله خیری از دنیا و آخرت نمی خواهد؛ مگر اینکه الله آن را به او می بخشد، و این وقت در هر شب وجود دارد». روایت مسلم^(۶۴).

۲- همیشه و به کثرت استغفار گفتن؛ زیرا استغفار از بزرگترین اسباب رفع مشکلات است، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا *
وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾

«پس به آنان گفتم: از کفر باز آید، و از پروردگارتان آمرزش بخواهید، که همانا او بسیار آمرزنده است* تا از آسمان پیوسته بر شما باران فرو بفرستد* و به شما اموال و فرزندان عطا نماید، و برایتان باغ‌های پر ثمر، و نهرهای روان پدید آورد». [نوح: ۱۰-۱۲]

(۶۴) در صحیحش، کتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب في الليل ساعة مستجاب فيها الدعاء حديث شماره ی (۷۵۷) از روایت جابر - رضي الله عنه - .

آیاتی که بر فرد مسحور شده خوانده می‌شود

الله متعال قرآن را شفا و درمانی برای بیماری‌ها قرار داده است، و هر آیه‌ای از قرآن شفاست، و آیاتی وجود دارد که به فرمان الهی در فرد سحر شده تاثیر می‌گذارد، و برخی از آن عبارتند از:

۱- سوره فاتحه؛ این سوره از بزرگترین سوره‌ها در کتاب الله است. روایت بخاری^(۶۵).

۲- آیه کرسی؛ این آیه بزرگترین آیه در قرآن است. روایت مسلم^(۶۶).

ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: "شیخ الاسلام با آیه الکرسی بیماران را معالجه می‌نمود، و فردی که دچار صرع و تشنج می‌شد و کسی که به معالجه‌ی او می‌پرداخت را دستور می‌داد تا به کثرت آیه الکرسی و معوذتین را بخوانند"^(۶۷).

(۶۵) در صحیحش، کتاب تفسیر القرآن، باب ما جاء في فاتحة الكتاب، حدیث شماره ی (۴۴۷۴) از روایت ابو سعید بن المعنّی - رضي الله عنه - .

(۶۶) در صحیحش، کتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب فضل سورة الكهف وآية الكرسي، حدیث شماره ی (۸۱۰) از روایت ابي بن كعب - رضي الله عنه - .

(۶۷) زاد المعاد (۴/۶۳).

۳- آیات پایانی سوره بقره؛ چنانچه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «هر کس دو آیه ی آخر سوره ی بقره را در شب بخواند برای او کافیت»^(۶۸).

۴- آیات سحر که در سوره ی اعراف ذکر شده‌اند و عبارتند از:

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۚ إِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ *
فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * فَغَلَبُوا هُنَالِكَ ۚ وَانْقَلَبُوا صَٰغِرِينَ﴾

«ما به موسی وحی کردیم که عصایت را بینداز؛ و چون موسی عصایش را انداخت، ناگهان به ازدهایی بزرگ تبدیل شد، که با سرعت ابزاری را که ساحران به دروغ برای مردم - مار و ازدها - جلوه داده بودند، می‌بلعید * بدینگونه حق و حقیقت آشکار شد و سحری که جادوگران به عمل آورده بودند، باطل و تباه گشت * آنگاه فرعون و ساحران شکست خوردند و خوار و زبون شدند.» [الأعراف: ۱۱۷-۱۱۹]

۵- آیاتی که در سوره یونس آمده است:

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَئِنِّي لَبِئْسَ لِحْيَتِي السَّحَرُ ۗ قَالَ لَهُمُ مُوسَىٰ

(۶۸) تخریج حدیث در صفحه ی (۵۱) ذکر شد.

الْقَوْمَ مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ * فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرَ إِنَّ
 اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ * وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ
 وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿۷۹﴾

«و فرعون گفت: تمام ساحران ماهر و دانا را نزد من بیاورید* و
 آنگاه که ساحران گِرد آمدند، موسی به آنان گفت: هر چه از وسایل
 جادو را که می خواهید، به زمین بیفکنید* هنگامی که ابزار جادو را
 افکندند، موسی گفت: آنچه آورده اید، جادوست. یقیناً الله آن را باطل
 خواهد کرد. همانا الله کار مفسدان را به سامان نمی رساند* و الله با امر
 خویش حق را ثابت و پایدار می گرداند؛ گرچه مجرمان نپسندند».

[یونس: ۷۹-۸۲]

۶- آیاتی که در سوره طه آمده است:

﴿قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَىٰ مَنْ أَلْقَىٰ * قَالَ بَلْ أَلْقَوُا فَإِذَا جِبَالُهُمْ
 وَعَصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ * فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَىٰ *
 قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ * وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلَقَّفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ
 سِحْرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ﴿۸۰﴾﴾

« جادوگران گفتند: ای موسی! اختیار با توست یا اول تو ابزار

جادویی‌ات را بینداز، یا ما می‌اندازیم* موسی گفت: ابتدا شما بیندازید، آنان چشم‌های مردم را سحر کردند و پس از آن که ریسمان‌ها و چوبدستی‌هایشان را انداختند، ناگهان در اثر جادویشان چنان به نظر موسی آمد که آن‌ها مارهایی زنده و در حال حرکت هستند* موسی در دل خویش ترسی احساس کرد* ما گفتیم: ای موسی! نترس و مطمئن باش که همانا تو پیروز و برتر این میدانی* و عصایت را که در دست راست توست، بینداز که ساز و برگ آنان را می‌بلعد، همانا آنچه آنان به راه انداخته‌اند، ترفند جادوگری است. و جادوگر هر جا باشد، موفق و رستگار نمی‌شود». [طه: ۶۵-۶۹]

۷- قرائت معوذتین؛

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾

عائشه - رضی الله عنها - می‌گوید: «پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وقتی بیمار می‌شد معوذات را می‌خواند و بر خود فوت می‌کرد، وقتی درد و بیماری‌اش شدت یافت من بر او می‌خواندم، و دست او را - به امید برکت آن - بر بدن خود او می‌کشیدم». متفق علیه^(۶۹).

(۶۹) بخاری در صحیحش، کتاب فضائل القرآن، باب معوذات، حدیث شماره ی (۵۰۱۶)، و مسلم در صحیحش، کتاب سلام، باب رقیة مریض بالمعوذات والنفث، حدیث شماره ی (۲۱۹۲).

ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: "سودمندترین راه حل برای از بین بردن سحر، آیاتی است که الله برای از بین بردن آثار سحر بر پیامبرش نازل کرد؛ و آن آیات معوذتین است، و در حدیث آمده است که: «هیچ پناهجویی تعویذی و ورزی برای پناه جستن همچون آن دو نمی یابد»^(۷۰). و همچنین خواندن آیه الکرسی شیطان را دور می کند"^(۷۱).

(۷۰) روایت نسائی در سننش، کتاب استعاده، حدیث شماره ی (۵۴۳۲) از روایت عقبه بن عامر - رضي الله عنه - .

(۷۱) تفسیر ابن کثیر (۳۷۲/۱).

درمان سحر و رقیه و ورد خوانی با دعاها و تعوذات مشروع

دعاها و تعوذات نبوی برای رقیه و دعا خواندن است که برخی

عبارتند از:

۱- «اللهم رب الناس أذهبِ البأسَ ربَّ النَّاسِ ، وَأَشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ ، شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا». متفق علیه^(۷۲). «ای پروردگار مردم! بیماری‌اش را برطرف کن و چنان شفایی به او عنایت کن که هیچ بیماری‌ای باقی نماند؛ چرا که تو شفا دهنده هستی و هیچ شفایی به جز شفای تو وجود ندارد».

۲- دعا و وردی که جبرئیل - علیه السلام - آن را بر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می خواند و او را رقیه می کرد: «بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ». روایت مسلم^(۷۳). «به نام الله، تو را از هر چیزی که باعث اذیت و آزارت می‌شود و از شر هر کسی که به تو

(۷۲) بخاری در صحیحش، کتاب طب، باب رقیة النبي - صلی الله علیه وسلم -، حدیث شماره ی (۵۷۴۳)، و مسلم در صحیحش، کتاب سلام، باب استحباب رقیة مریض حدیث شماره ی (۲۱۹۱) از روایت عائشة - رضی الله عنه -.

(۷۳) در صحیحش، کتاب سلام، باب طب ومرض و رقی، حدیث شماره ی (۲۱۸۶) از روایت ابو سعید خدری - رضی الله عنه -.

چشم زخم می‌رساند، دم می‌کنم. الله متعال تو را شفا دهد. به نام الله، تو را دم می‌کنم».

۳- دعایی که هنگام عیادت مریض خوانده می‌شود، پیامبر فرمود:
«هر بنده مسلمانی به عیادت بیماری برود، و هفت بار بگوید: أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيكَ» «از الله متعال می‌خواهم که پروردگار عرش بزرگ است تو را بهبود دهد؛ مگر اینکه بهبود خواهد یافت». روایت احمد^(۷۴).

(۷۴) در مسندش حدیث شماره ی (۲۱۳۷) از روایت ابن عباس - رضي الله عنهما - .

راه ابطال و باز کردن سحر

سحر انواع زیادی دارد؛ و هر نوعی از آن راهی برای ابطال دارد، که توضیح آن به شرح ذیل است:

حالت اول: اگر سحر از طریق خوردن یا آشامیدن انجام شده باشد؛ باز کردن و ابطال آن اینگونه است، که باید یا از راه مدفوع از بدن فرد خارج شود، یا آن را استفراغ کند، و راه بیرون آوردن آن از شکم اینگونه است:

۱- نیم کیلو از سنای مکی^(۷۵) فراهم کنید.

۲- دو لیوان آب را درون کتری بریزید.

۳- به اندازه ی دو مشت کامل از سنای مکی را در کتری بریزید.

۴- مخلوط آب و سنای مکی را روی اجاق بگذارید تا به مدت

سه دقیقه بجوشد.

۵- صبح وقتی از خواب بیدار شدید دو لیوان از دم نوش سنای

مکی سرد شده را میل کنید.

(۷۵) در مغازهای عطاری بفروش می رسد و قابل دریافت است.

۶- پس از میل کردن دو لیوان از این دم نوش به مدت پانزده دقیقه پیاده روی کن.

۷- پس از نوشیدن دم نوش سنا تا چهار ساعت چیزی نخورید، تا سنا تاثیر خود را بگذارد.

۸- وقتی شما دم نوش سنا را بنوشید احساس شکم درد می کنید؛ و این طبیعی است، برای اینکه سنا باید همه آنچه در معده است را بیرون بیاورد.

۹- هر کس دم نوش سنا را بنوشد روز اول و دوم حتی اگر سحر نشده باشد بیش از حد معمول نیاز به قضای حاجت پیدا می کند؛ چون دم نوش سنای مکی اسهال آور است.

۱۰- چنانچه روز سوم و چهارم دچار شکم درد شدید؛ این از نشانه های وجود سحر در شکم است.

۱۱- به همین صورت تا هفت روز به نوشیدن دم نوش سنا ادامه دهید.

۱۲- اگر بعد از یک هفته باز هم شکم درد ادامه یافت؛ یک هفته دیگر هم به نوشیدن دم نوش سنا ادامه دهید.

۱۳- وقتی درد مرتفع شد و نیاز شما برای قضای حاجت به حالت طبیعی بازگشت، بر این موضوع دلالت دارد مه سحر از بدن خارج شده است.

و بدین صورت سحری که خورده یا آشامیده شده به اذن الله از بین می‌رود.

حالت دوم: اگر سحر بر کاغذی نوشته شده باشد؛ راه ابطال آن اینگونه است که کاغذی که در آن سحر نوشته شده در آب گذاشته شود، تا نوشته‌هایش از بین برود، سپس آن کاغذ تکه شده، و دور انداخته شود، حتی اگر آثاری از نوشته‌ها در آن باقی مانده باشد، و همچنین آبی که با آن شسته شده دور ریخته شود.

حالت سوم: اگر جادو گره زده باشد - یعنی: در موی یا نخ‌های گره زده باشد -، راه ابطال آن بدین صورت است؛ این گره‌ها باز شده، و وقتی گره‌ها باز شد؛ نخ‌ها را تکه تکه کرده و سپس آن را دور بیندازید.

حالت چهارم: اگر سحر در زمین پاشیده شده باشد؛ راه ابطال آن بدین صورت است است:

۱- یک کاسه آب بیاورید؛ سپس سوره فاتحه، و آیه الکرسی، و معوذتین، را بر آن بخوانید.

۲- و این آب را بر جایی که سحر پاشیده شده بریزید.

۳- این کار را سه بار تکرار کنید، به اذن الله سحر از بین می‌رود.

ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: "برای درمان سحر از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دو شیوه روایت شده است:

روش اول: و این روش از موثرترین آنهاست؛ بدین صورت که

سحر بیرون آورده و ابطال گردد، چنانچه در روایت صحیح^(۷۶) از ایشان نقل شده که از پروردگارش این را درخواست را نمود، و به آن راهنمایی شد.

روش دوم: آب ریختن بر جایی که سحر در آن قرار دارد، و تاثیراتش در آنجا وجود دارد"^(۷۷).

(۷۶) به تخریج این حدیث در (ص ۱۰) پرداخته شد.

(۷۷) زاد معاد (۴/۱۱۴).

رفتن پیش ساحر برای ابطال سحر جایز نیست!

جایز نیست برای ابطال سحر نزد ساحر رفت و از او درخواست کرد، خواه آن را با سحر یا بدون سحر ابطال کند؛ به چند دلیل:

- ۱- مراجعه به جادوگر مطلقاً جایز نیست، حتی اگر برای ابطال سحر نباشد، چه برسد به اینکه برای ابطال سحر به او مراجعه کرد؟!
- ۲- ساحر برای ابطال سحر از شیاطین کمک می گیرد، و این کار خود کفر است.

ابن قیم - رحمه الله - در مورد ابطال سحر با شیوه‌های ناجایز و حرام می گوید: "ابطال سحر با سحر از اعمال شیطانی است، در این صورت ساحر و فردی که سحر شده هر دو با چیزهایی که شیطان می پسندد به او تقرب می جویند" (۷۸).

- ۳- ساحر شر خالص و محض است، بنابراین هیچ سحری را ابطال نمی کند مگر با دروغ به فرد سحر شده؛ و یا برای تصاحب دارایی فرد سحر شده؛ او را فریب می دهد، و حتی گاهی جنایت بیشتری مرتکب شده و به ناموس فرد سحر شده تجاوز می کند.

شخص جادو شده

فرد سحر شده مظلوم است

هرگاه انسان با پروردگارش صادق باشد، گاهی الله متعال او را اینگونه مورد آزمایش قرار می‌دهد که برایش دشمنانی از شیاطین جنی و انسی مقرر می‌دارد چنانکه می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾

«و همینگونه (همچون تو) برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب (دیگران)، سخنان آراسته و فریبنده القا می‌کردند». [الأنعام: ۱۱۲]

و همچنین پیروان پیامبران به بلاهایی گرفتار می‌آیند که پیامبران دچار آن شده‌اند و هرگاه الله متعال بخواهد مقام بنده‌ای را بالا ببرد او را با مشکلات مورد آزمایش قرار می‌دهد. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: **«هر کسی که الله نسبت به او اراده خیر داشته باشد او را به مصیبت گرفتار می‌کند»** روایت بخاری^(۷۹).

(۷۹) در صحیحش، کتاب مرضی، باب ما جاء في كفارة المرض، حدیث شماره ی (۵۶۴۵) از روایت ابو

و تو ای کسی که دچار سحر شده‌ای به خاطر مشکلاتی که به سبب سحر دچار آن شده‌ای غم مخور، زیرا که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - هم جادو شده است و گاهی الله متعال بنده مومن را به بلا گرفتار می‌کند تا او را به خود نزدیک کند، ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: «الله متعال با رحمت خود فرد مبتلا و مصیبت دیده را در بر می‌گیرد، و با خیر و نزدیکی که بر بنده ارزانی می‌دارد، دل او را که به خاطر بیماری شکسته است، جبران می‌بخشد؛ و الله نزد شکسته دلان است»^(۸۰).

و به علت مشکلی که بدان گرفتار شدی خشمگین مشو، و مبادا آنچه الله برای تو مقدر نموده تو را بی‌تاب کند، ممکن است این مشکل سبب بالا رفتن مقام تو باشد،
الله متعال می‌فرماید:

﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ﴾

«و چه بسا چیزی را ناگوار بدانید، اما برای شما، خیر باشد و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید، اما برای شما شر باشد.» [البقرة: ۲۱۶]

و اگر چیزهایی از بهره‌های دنیوی را از دست داده‌ای، بدان که آنچه نزد الله برای مومنان و کسانی که بر پروردگارشان توکل می‌کنند در نظر گرفته شده است، بسی بهتر و ماندگارتر است، شیخ الاسلام - رحمه الله - می‌گوید: "ستم‌دیده ای که با حسادت مورد ستم واقع شده است، اگر صبر نماید و تقوای الهی را پیشه کند؛ نجات می‌یابد" (۸۱).

بنابراین این آیه را بسیار تکرار کن:

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾

«ما بنده ی الله و از آن او هستیم و به سوی او باز می‌گردیم»،

[البقرة: ۱۵۶]

و نیز زیاد بگو: «اللَّهُمَّ اجْرِنِي فِي مُصِيبَتِي ، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا»
 «بارالها در برابر آن مصیبت به من پاداش بده، و جایگزین بهتری به من عنایت فرما»، ام سلمه - رضی الله عنها - می‌گوید: از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - شنیدم که می‌فرمود: «هر مسلمانی به مصیبتی گرفتار شود و آنچه الله به او فرمان داده را بگوید:

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾

و سپس بگوید: **اللَّهُمَّ اجْرِنِي فِي مُصِيبَتِي ، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا،**
 مگر اینکه الله جایگزین بهتری از آنچه از دست داده به او می دهد». ام
 سلمه - رضی الله عنها - گفت: وقتی ابوسلمه - رضی الله عنه - وفات
 کرد؛ گفتم: کدام یک از مسلمانان از ابوسلمه بهتر است؟! او و خانواده
 اش اولین خانواده‌ای بودند که به سوی پیامبر - صلی الله علیه و سلم -
 هجرت کردند. سپس من همین دعا را گفتم، و الله، رسول الله - صلی
 الله علیه و سلم - را برای من جایگزین او کرد. روایت مسلم^(۸۲).

غم و اندوهای دنیوی هرچند پی در پی مسلمان را فرا گیرد؛ اما هر
 چند طولانی باشند سرانجام از بین می روند، و سپس با نعمت جاویدانی
 جایگزین می شود که بنده در آن همه ی غم‌هایی که چشیده است را
 فراموش می کند، پیامبر - صلی الله علیه و سلم - می فرماید: «روز قیامت
 فردی از دوزخیان را که در دنیا بیشتر از همه در ناز و نعمت بوده،
 می آورند، او فقط یک لحظه در جهنم فرو برده می شود، سپس گفته
 می شود: ای بنی آدم، آیا تاکنون خوبی را چشیده‌ای؟ آیا از نعمتی
 بهره‌مند بوده‌ای؟ (از شدت عذاب همه ینعمتها را فراموش کرده) می
 گوید: به الله سوگند! نه، پروردگارا (من تا کنون هیچ نعمتی را به یاد

(۸۲) در صحیحش، کتاب جناز، در باب ما یقال عند مصیبة، در حدیث شماره ی (۹۱۸).

ندارم که چشیده باشم) و سپس از اهل بهشت فردی که در دنیا بدبخت‌ترین مردم بوده را می‌آورند و او فقط یک لحظه در بهشت فرو برده می‌شود؛ و از او می‌پرسند: ای فرزند آدم آیا هیچگاه سختی و بدبختی دیده‌ای و به یاد داری؟ می‌گویند: به الله سوگند نه، پروردگارا هیچ نعمتی ندیده‌ام». روایت مسلم^(۸۳).

و یقین داشته باش که ظالمی که به پیش ساحران رفته و از آنان برای سحر کردن تو درخواست طلسم کرده، هرگز نمی‌تواند از دست الله بگریزد و بدان که پروردگار او را زیر نظر دارد،
الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ﴾

«و ما هیچگاه از آفریده‌های خویش غافل و بی‌خبر نبوده‌ایم».

[المؤمنون: ۱۷]

و ای فردی که سحر شده ای اگر در حالی با پروردگارت دیدار کنی که مظلوم و ستم‌دیده باشی؛ بهتر است از آنکه نزد او بیایی در حالی که ستمکار باشی.

(۸۳) در صحیحش، کتاب صفة قیامة وجنة و نار، باب صبغ أنعم أهل الدنيا في النار و صبغ أشدهم بؤساً في الجنة، حدیث شماره ی (۲۸۰۷) از روایت أنس بن مالك - رضي الله عنه - .

بنابراین به الله متعال پناه ببر، و زیاد استغفار و دعا کن، و بدان که مدد الهی نزدیک است، و هرگز نباید از رحمت الهی ناامید شوی، و از بکار گرفتن اسباب ابطال سحر؛ از قبیل: دعاها و داروهای جایز، دست مکش، و تسلیم شر و اهل آن مشو، زیرا توطئه و نیرنگ شیطان ضعیف است، و الله یار و یاور مومنان است، و کافران را یاور و مولایی نیست، الله متعال می فرماید:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ﴾

« زیرا الله کارساز و یاور مؤمنان است و کافران کارساز و یآوری

ندارند». [محمد: ۱۱]

و الله - سبحانه - دارای قدرت و فرمانروایی گسترده است؛ و ظالم هر کاری کند، الله بر او چیره است، او را مهلت می دهد، تا اینکه ناگهان وقتی او را بگیرد رهایش نمی کند، چنانچه می فرماید:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ﴾

«(و ای پیامبر!) هرگز مپندار که الله از آنچه ستمکاران می کنند

غافل است». [ابراهیم: ۴۲]

گاهن

کاهن و پیشگو کیست؟

کاهن و پیشگو کسی است که ادعا می کند آنچه در آینده رخ خواهد می دهد را می داند، به عنوان مثال ادعا می کند: که فلانی خواهد مُرد، و آیا فلانی خوشبخت خواهد بود یا نه، و چنین مواردی از اموری که در آینده رخ خواهد داد. و در حقیقت این پیشگو و کاهن چیزی را ادعا می کند که پیامبران و ملائکه نمی دانند؛ زیرا هیچ کس جز الله علم غیب نمی داند، الله متعال می فرماید:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾

«(ای پیامبر!) بگو: هیچ کس در آسمانها و زمین جز الله غیب نمی داند، و آنان نمی دانند که چه زمانی از قبرها برانگیخته می شوند؟».

[النمل: ۶۵]

و نیز در مورد خود می فرماید:

﴿عَلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

«الله دانای نهان و آشکار و فرمانروای با حکمت است». [التغابن: ۱۸]

و باور به تاثیرات برجهای بخت و نصیب که ادعا می کنند از انواع کهنات و پیشگویی است.

حقیقت کاهنان و پیشگویان

وقتی درباره حقیقت کاهنان و پیشگویان از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - پرسیده شد، ایشان در کلامی مختصر و بزرگ حقیقت آنان را اینگونه بیان داشت؛ و فرمود: **«چیزی (بشمار نمی روند و بر حق) نیستند»** متفق علیه^(۸۴).

شیخ الاسلام - رحمه الله - می گوید: "...کسانی که به تاثیر ستارگان در زندگی باور دارند و پیشگویان و کاهنان و امثال آنها، در اینها دروغ و جهالت و گمراهی و ادعای امور غیر ممکن چنان زیاد است که شمار آن را فقط الله می داند"^(۸۵).

تمام کلیدهای غیب فقط در دست الله یکتای قهار است، مردم می دانند که کاهنان و پیشگویان دروغ می گویند؛ اما ضعف ایمان و مسلط بودن شیطان آنها را به سوی گناه می راند.

شیخ الاسلام - رحمه الله - می گوید: "عموم مردم و خواص با تجربه و تواتر به این نتیجه رسیده اند که سخنها دروغ آنهايي که به

(۸۴) بخاری در صحیحش، کتاب ادب، باب قول الرجل للشیء: لیس بشیء، وهو ینوی أنه لیس بحق، حدیث شماره ی (۶۲۱۳)، و مسلم در صحیحش، کتاب سلام، باب تحریم کھانة و ائیان کھان، حدیث شماره ی (۲۲۲۸) از روایت عائشة - رضي الله عنها - .

(۸۵) درء تعارض العقل والنقل (۶۷/۵).

تأثیر ستارگان در زندگی می گویند چندین برابر سخنان راستی است
که می گویند" (۸۶).

نیرنگ و حیل‌های کاهنان و پیشگویان

کاهنان و پیشگویان حیل‌های زیادی دارند که به هنگام مراجعه ی مردم آن بکار می‌گیرند تا به گونه ای وانمود کنند که غیب می‌دانند. از جمله نیرنگ‌های آنان این است که:

وقتی کسی نزد آنها می‌آید و از آنان در مورد امور آینده می‌پرسد؛ به او چیزهای کلی می‌گویند که برای همه انسان‌ها اتفاق می‌افتد، به عنوان مثال به او می‌گویند: برای شما مشکلی پیش خواهد آمد، اما حل خواهد شد، از این حیل استفاده می‌کنند؛ چون می‌دانند که مشکل برای مدت طولانی با انسان همراه نخواهد بود، بلکه به لطف الهی برطرف خواهد شد.

یا اینکه به او می‌گویند: در آینده به تو روزی خواهد رسید؛ چون می‌دانند که الله متعال روزی هر مخلوقی را تضمین کرده است. و یا به او می‌گویند: خبری خواهی شنید که تو را خوشحال می‌کند؛ چون می‌دانند که در زندگی شادی و اندوه و ناراحتی، و گشایش رخ می‌دهد.

و از این قبیل سخنان کلی می‌گویند، و افرادی که از دروغ‌هایشان بی‌خبرند آن را می‌پذیرند.

دروغگویی کاهنان و پیشگویان

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرموده است که کاهن و پیشگو به همراه یک خبر راست صد سخن دروغ را می گنجاند؛ چنانچه می فرماید: «تا اینکه (جن) آن را به زبان ساحر و یا کاهن و پیشگو می اندازد و به همراه آن صد دروغ می گوید». متفق علیه^(۸۷).

چنانچه شما دوست و همراهی داشته باشید که همراه یک خبر راست پنج خبر دروغ بگوید، شما او را رها می کنید، و از همراهی او پرهیز می نمائید؛ چون او با زیاد دروغ گفتن به شعور شما توهین می کند، پس چگونه کاهنی و پیشگویایی که صد دروغ می گوید و نه فقط پنج دروغ را رها نمی کنید؟! آیا کاهن سزاوارتر نیست که از او پرهیز کنید، و خود را از کارهایش دور سازید؟

(۸۷) بخاری در صحیحش، کتاب تفسیر القرآن، باب قوله تعالی: ﴿حَتَّىٰ إِذَا فَرَغَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾ [سبأ: ۲۳] حدیث شماره ی (۴۸۰۰) از روایت ابو هریره - رضی الله عنه -، و مسلم در صحیحش با لفظ و عبارتی شبیه لفظ و عبارت صحیح بخاری، در کتاب سلام، در باب تحریم کهانة و ایتیان الکهان حدیث شماره ی (۲۲۲۸) از روایت عائشة - رضی الله عنها -.

دلیل دروغگویی پیشگویان

اگر کاهن و پیشگویان آنچنان که ادعا می‌کند غیب می‌دانست؛ مشکلاتی که برایش پیش می‌آمد را از خود دور می‌کرد، و اگر غیب می‌دانست؛ زمان مرگش را می‌فهمید، و پیش از مرگ از کفر ورزیدن به پروردگارش توبه می‌کرد، تا برای همیشه در دوزخ نماند.

این در حالی است که جن‌ها که ادعا می‌کنند پیشگویان را از غیب خبر می‌دهند، از وفات سلیمان - علیه السلام - خبر نداشتند مگر پس از آنکه موریانه عصایش را خورد، پس چگونه این ساحر که از اینچنین جنیان بی اطلاع از غیب کمک می‌گیرد می‌تواند از غیب آگاه باشد، الله متعال می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا فَضَّيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتِهِ ۗ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتْ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ﴾

«و هنگامی که حکم مرگ را بر سلیمان اجرا نمودیم او در حالی که ایستاده و بر عصایش تکیه زده بود، جان سپرد و هیچ کس جن‌ها را از مرگش آگاه نساخت، مگر موریانه‌ای که عصایش را به تدریج می‌خورد. و آنگاه که پیکر سلیمان بر زمین افتاد، روشن شد که جنیان

غیب نمی دانند؛ زیرا اگر غیب می دانستند هرگز در آن عذاب خفت بار
و کارِ طاقت فرسا باقی نمی ماندند». [سبأ: ۱۴]

اعتراف پیشگو و کاهنی نزد شیخ الاسلام - رحمه الله -

هر چند دروغگو به دروغگویی اش ادامه دهد؛ بالاخره بعد از مدتی دروغ و حقیقت او بر ملا می گردد، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: **«راستگویی اطمینان است و دروغ شک است»**. روایت ترمذی^(۸۸).

کاهن ادعا می کند که همچون الله غیب می داند، و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرموده است: هر کسی چیزی را ادعا کند که از آن بی بهره باشد، الله متعال او را رسوا خواهد کرد، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: **«کسی که ادعای چیزی را بکند که آن را ندارد گویا سرتاپا دروغ است»**. متفق علیه^(۸۹).

در زمان شیخ الاسلام ابن تیمیه کاهنی اقرار کرد که به مردم دروغ می گفته است، شیخ الاسلام - رحمه الله - می گوید: «آنهايي که به تاثیرات ستاره ها باور دارند نیز اینگونه هستند، وقتی در دمشق با آنها

(۸۸) در جامعش، أبواب صفة قیامة و رقایق و ورع، حدیث شماره ی (۲۵۱۸) از روایت حسن بن علی - رضي الله عنهما -.

(۸۹) بخاری در صحیحش، کتاب نکاح، حدیث شماره ی (۵۲۱۹)، و مسلم در صحیحش، کتاب لباس وزینة، باب نهي عن تزوير في لباس وغيره وتشيع بما لم يعط حدیث شماره ی (۲۱۳۰) از روایت أسماء - رضي الله عنها -.

گفتگو کردم، و سرانشان نزد من آمدند و با دلایل عقلی که خودشان صحت آن را قبول داشتند فساد کارشان را بیان کردم یکی از سرانشان به من گفت: سوگند به الله که ما صد دروغ می گوییم تا یکی از گفته های ما را باور کنند^(۹۰).

وقتی کاهنان نه تنها فقط به دروغگویی، بلکه به کثرت دروغگویی اقرار می کنند، چرا باید نزد آنها رفت و نزد آنها چیزی جز تهمت و ادعای شریک دانستن خود با الله در آگاهی از وجود ندارد!؟

(۹۰) مجموع فتاوی شیخ الاسلام (۱۷۲/۳۵).

حکم مراجعه به کاهنان

کاهن با ادعای شریک دانستن خود با الله در آگاهی از غیب بر الله دروغ می بندد؛ بنابراین وعید و تهدید سختی برای او مطرح شده است، توضیح آن به شرح ذیل است:

۱- هر کسی نزد کاهنی بیاید و او را تصدیق کند کفر ورزیده است، و کف خوانی و امثال آن نیز در این داخل است، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: **«هر کسی نزد کاهن و کسی که ادعای دانستن غیب دارد برود، و او را در آن چه می گوید تصدیق کند؛ به آنچه بر محمد - صلی الله علیه وسلم - نازل شده کفر ورزیده است»**. روایت حاکم^(۹۱).

۲- هر کس فقط برای تفریح و سرگرمی پیش کاهن و پیشگو برود، و نه برای اینکه از او چیزی پرسد؛ این کار حرام و ناجایز است، معاویه بن حکم سلمی - رضی الله عنه - گفت: ای رسول الله! من تازه جاهلیت را رها کرده و مسلمان شده ام، در میان ما

(۹۱) در کتاب مستدرک (۴۹/۱) حدیث شماره ی (۱۵) از روایت ابو هریره - رضی الله عنه - .

افرادى هستند كه به كاهنان مراجعه مى كنند، فرمود: «نزد آنها نرو»
روايت مسلم (۹۲).

(۹۲) در صحيحش، كتاب مساجد و مواضع صلاة، باب تحريم كلام في صلاة ونسخ ما كان من ابحاثه
حديث شماره ى (۵۳۷).

عرّاف و غیب گو

عرّاف و غیب گو کیست؟

عرّاف کسی است که ادعا می‌کند چیزهایی که از چشم‌ها پنهان‌اند را می‌بیند؛ به عنوان مثال: ادعا می‌کند که او می‌داند پشت دیوار چه وجود دارد؟ یا ادعا می‌کند که می‌داند که فلانی در این لحظه چه کار می‌کند! و حال آنکه آن فرد در شهر دیگری وجود دارد...، و به همین صورت. (۹۳)

حکم مراجعه به غیب گو و عراف ها

در مورد کسانی که به غیب گویان و عراف ها مراجعه می کنند وعید و تهدید سختی آمده است؛ و توضیح آن به شرح ذیل است:

۱- هر کس به عراف و غیب گویی مراجعه کند، و او را تصدیق نماید؛ کفر ورزیده است، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: **«هر کس به عراف و غیب گو یا کاهن و پیشگویی مراجعه کند، و او را در آن چه می گوید تصدیق کند؛ به آنچه بر محمد نازل شده کفر ورزیده است»**. روایت حاکم (۹۴).

۲- هر کسی به عراف (غیب گو) فقط برای برای پرسیدن مراجعه کند، و او را تصدیق نکند؛ نماز چهل روز او قبول نمی شود، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: **«هر کس نزد غیب گویی بیاید و از او درباره ی چیزی پرسد تا چهل روز نماز او قبول نمی شود»**. روایت مسلم (۹۵).

(۹۴) در مستدرک (۴۹/۱) حدیث شماره ی (۱۵) از روایت ابو هریره - رضی الله عنه - .

(۹۵) در صحیحش کتاب سلام، باب تحریم کهانة واتبان الکهان، حدیث شماره ی (۲۲۳۰) از روایت صفیة

- رضی الله عنها - .

منجم، و رمال، فالگیر،
و کف خوان فنجان بین

منجم، رمال، و فالگیر، و کف خوان و فنجان بین،

چه کسانی هستند؟

منجم: کسی است که حساب ستارگان و ادعای تاثیرات آن بر زندگی را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف حرام خود قرار می‌دهد^(۹۶).

رمال: کسی است که با خط کشیدن روی زمین ادعای علم غیب می‌کند^(۹۷).

فالگیر: فردی است که با به هم زدن و غلتاندن سنگریزه‌ها فال می‌گیرد، و ادعای علم غیب می‌کند^(۹۸).

کف خوان و فنجان بین: کسی است که با خواندن کلماتی نامفهوم روی دست انسان و فنجان ادعای علم غیب می‌کند.

بنابراین باور داشتن به تاثیرات ستاره بر زندگی مردم و رمالی و فالگیری و کف خوانی و فنجان بینی همه ی این وسایلی است که کاهنان و عراف ها آن را بکار می‌برند و بدینوسیله به دروغ ادعای علم غیب و آگاهی از آینده می‌کنند.

(۹۶) معالم السنن (۲۲۹/۴-۲۳۰)، و مجموع فتاوی شیخ اسلام (۱۹۲/۳۵).

(۹۷) مفاتیح فی شرح مصابیح (۱۸۱/۲).

(۹۸) معالم سنن (۲۳۱/۴)، و نخب الأفكار (۱۰۹/۱۴).

بنابراین منجم و رمال و فالگیر و یا کسی که دست را نگاه می‌کند کاهن و عراف هستند، و گاهی شعبده بازها با تقلید از کاهنان و عراف ها این کارها را می‌کنند و ادعا می‌کنند که کاهن هستند تا اینگونه اموال مردم را به ناحق بخورند.

شعبده باز

شعبده باز و تر دست کیست؟

شعبده باز: کسی است که به دروغ ادعا می کند که جادوگر و یا کاهن است.

و هدفش این است که با دروغ گفتن به مردم و ادعای جادوگری، و یا درمان با جادو، و یا اطلاع از آینده، قصد دارد اموال مردم را به تاراج ببرد؛ در صورتی که کارهایی که ادعا می کند را خوب بلد نیست، و فقط از کاهنان و جادوگران تقلید می کند، و حرکاتی شبیه حرکات آنان انجام می دهد.

مراجعه به چنین کسی جایز نیست؛ چون دروغگو است.

تفاوت میان ساحر و کاهن و عراف و شعبده‌باز

ساحر: کسی است که سحر می‌کند، - و در صورتی که الله بخواهد - سحر او فردی را که سحر شده است، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اما کاهن: کسی که ادعا می‌کند آنچه در آینده روی می‌دهد را می‌داند؛ مثل اینکه خبر بدهد که فلانی بعد از دو ماه خواهد مرد... و امثال آن.

و عراف: کسی است که از چیزهایی که از چشم‌ها پنهان است خبر می‌دهد، و نه اینکه ادعای اطلاع از آینده کند؛ مثل اینکه خبر بدهد که فلانی که هم اکنون در شهر دیگری است داخل ماشین خود نشسته است، و عراف دانستن امور آینده را ادعا نمی‌کند.

اما شعبده‌باز: دروغ می‌گوید؛ نه جادو می‌داند، و نه کهنات، و نه غیب‌گویی بلد است، و فقط به دروغ ادعا می‌کند که آن را می‌داند تا اموال مردم را به تاراج ببرد، و کارهایش را بین افراد ساده‌لوح رواج دهد.

دعوت به توبه

دعوت به توبه

هر کسی به کاهنان مراجعه کرد، یا درب ساحران را کوبیده، و به دیگران ضرر رسانیده است؛ باید از این گناهانی که دین را فاسد می‌کنند دست بکشد، و از گناهان مهلکی که مرتکب شده پشیمان شود، و دوباره به این کردار رسوا کننده و زشت باز نگردد، و با ابطال سحر ضرر و زیان را از کسانی که آنها را سحر کرده رفع کند، و از جنایت بزرگی که مرتکب شده خالصانه و قاطعانه به سوی الله بازگشته و توبه نماید، و به کثرت توبه و استغفار کند، و بیش از پیش عبادت نفل و مستحب و اعمال صالح انجام بدهد،

الله متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ﴾

«و بی‌تردید من برای کسی که از کفر و شرک توبه نماید، و ایمان بیاورد، و کار شایسته انجام دهد، و بر ایمان و عمل صالح استوار بماند؛ بسیار آمرزنده هستم.» [طه: ۸۲]

و هنگامی که ساحران فرعون توبه کردند، و به پروردگارشان

ایمان آوردند؛ الله متعال توبه آنها را پذیرفت، و به آنان درجات والا بخشید، و از پیروان موسی شدند.

بنابراین راه توبه کنندگان را در پیش بگیر، و از راه نگون بختان؛ از قبیل: ساحران و شعبده‌بازان دوری کن.

از الله متعال مسئلت می‌نمائیم که مسلمین را از عمل ساحران تبه‌کار حفاظت کند، و مشکل کسانی را که سحر شده‌اند برطرف کند، و برایشان چیز بهتری از مصیبتی که بدان گرفتار آمده‌اند جایگزین کند.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه وسلم.

فهرست

مقدمه	۵
سحر و جادو	۷
تعریف سحر و جادو	۸
تاریخچه ی سحر و جادو	۱۰
آیا سحر و جادو گردی حقیقت دارد، یا تخیلات است؟	۱۲
خطر سحر	۱۵
جادوگر	۱۹
جادوگر دین خود را فروخته است	۲۰
چرا شیاطین از جادوگران فرمانبرداری کرده و به آنها خدمت می کنند؟	۲۴
نیرنگ و حيله ی جادوگر	۲۷
نشانه های ساحر	۲۹
زنان و جادوگران	۳۳
ستم جادوگر	۳۶
حقیقت ساحر	۳۸
آیا جادوگر خوشبخت است؟	۴۱
ساحر از سحر چه سودی می برد؟	۴۵

- ۴۷ سزای ساحر
- ۴۹ مراجعه کننده به ساحر
- ۵۰ درخواست کننده ی سحر با ساحر در گناه شریک است
- ۵۵ چگونگی پناه گرفتن از جادو
- ۵۶ پیشگیری از سحر پیش از بروز آن
- ۶۹ چگونه اوراد و اذکار بر کودکان و زنان خوانده شود
- ۷۱ کسانی که سحر در آنان تأثیر می گذارد
- ۷۳ چگونگی از بین بردن سحر
- ۷۴ با چه چیزی سحر صورت می گیرد
- ۷۶ روش دانستن جای سحر و طلسم
- ۷۷ دو راه حل برای از بین بردن سحر
- ۷۹ آیاتی که بر فرد مسحور شده خوانده می شود
- ۸۴ درمان سحر و رقیه و ورد خوانی با دعاها و تَعَوذَاتِ مَشْرُوعِ
- ۸۶ راه ابطال و باز کردن سحر
- ۹۰ رفتن پیش ساحر برای ابطال سحر جایز نیست!
- ۹۱ شخص جادو شده
- ۹۲ فرد سحر شده مظلوم است
- ۹۸ کاهن
- ۹۹ کاهن و پیشگو کیست؟

- ۱۰۰..... حقیقت کاهنان و پیشگویان
- ۱۰۲..... نیرنگ و حیل‌های کاهنان و پیشگویان
- ۱۰۳..... دروغ‌گویی کاهنان و پیشگویان
- ۱۰۴..... دلیل دروغ‌گویی پیشگویان
- ۱۰۶..... اعتراف پیشگو و کاهنی نزد شیخ الاسلام - رحمه الله -
- ۱۰۸..... حکم مراجعه به کاهنان
- ۱۱۰..... عرّاف و غیب‌گو
- ۱۱۱..... عرّاف و غیب‌گو کیست؟
- ۱۱۲..... حکم مراجعه به غیب‌گو و عرّاف‌ها
- ۱۱۳..... منجم، و رمّال، فالگیر،
- ۱۱۳..... و کف خوان فنجان بین
- ۱۱۴..... منجم، رمّال، و فالگیر، و کف خوان و فنجان‌بین، چه کسانی هستند؟
- ۱۱۶..... شعبده باز
- ۱۱۷..... شعبده باز و تردست کیست؟
- ۱۱۸..... تفاوت میان ساحر و کاهن و عرّاف و شعبده‌باز
- ۱۱۹..... دعوت به توبه
- ۱۲۰..... دعوت به توبه
- ۱۲۲..... فهرست

انتشارات طالب العلم

٠٩٦٦٥٠٦٠٩٠٤٤٨





از منشورات ما



a-alqasim.com
 فایز ایل قاسم
 FawaidAlQasim